

بقیه از صفحه ۳ همین شماره -

ورنه با این اقتدار مستبدین مشروطیت تضج نخواهد گرفت ، و هرج و مرج مملکت را احاطه خواهد کرد ، و بهانه بدست اجانب خواهد داد ، آخر يك عمر که خزان نمی شود ، يك عالم که ظلمت نیاید باشد

ازین هم صرف نظر کردیم ، درین دو سال با این همه زد خورد ها ، و آنقدر خسارات ملیه ، و هزاران شهداء وطن ، و آن درجه همراهی مات شما نتوانستید که طرق و معابر و ادارات نظمیة بلاد را اقلالاً منظم دارید ، ؟ با این همه حادثات دو ساله طهران که هر یکش شما را سر مشق بزرگ بود مقتدر شدید ، که نظمیة طهران را منظم کنید ، که این حادثات وحشت انگیز واقع بشود ؟ مگر همین اداره نظمیة نبود در ساق ، آیا صد يك این واقعات امروزی را میتوان در زمان استبداد نشان داد ؟ هیچ لازم نیست ، که ما اکنون این واقعات محرك دارد ، و ناوقتیکه قطع ایادی محرکین نشود روز بروز بدتر خواهد شد ، این جماعت عمداً این حرکات را می نمایند که بهانه بدست اجانب بدهند ، ابداً قصد دیگر ندارند ، می خواهند مملکت را با این هرج و مرج و سرخسها بخارج بدهند ، و اگر چندی دیگر بدین منوال بگذرد و حدا جلوگیری بشود سناً خواهند داد ، آن وقت همه رشته های ملت پاره خواهد شد ، و صد سال باز عقب خواهیم افتاد ،

درست است مگر این مات روبرار رقیبت اجانب نخواهد رفت ، ولی ناوقتیکه دوباره وضع امروزی را بروی کار آریم صد سال عقب خواهیم افتاد

راست است که این واقعات هیچ اهمیت بلتیکی ندارد و در ممالک قدیم تمدن هم هزارها نظیر دارد خصوصاً در ممالک روسیه که برای این گونه واقعات حدی نمیتوان معین نمود ، حتی صدها اینگونه واقعات برای ایرانیان در خاک روسیه واقع شده است ، و غرض مستبدین هم فقط برت نمودن حواس مجلس و متوجه ساختن مات بطرف دیگر است ، ولی چون این گونه اعمال خود آورد برای دست دادن بهانه بدست اجانب است و نگذارده اند هیچ اقتدارات دفاعیه برای مات مهیا شود هرگاه اجانب بلتیکشان اقتضا نمود که بحرف حسابی پیش بیایند ، بچه چیز جواب آنها را خواهیم داد ؟ خواهیم فرمود بقوه مضوی ملی ، اگر چنین است بنده هم عرض میکنم چرا قبل از وقت بقوه ملی جلو این واقعات غیر مرضیه را نمیگیرید ؟ چرا میگذارید کار بجای "ازک منجر شود ؟ من در چند هزار فرسخی این واقعات را يك سال قبل

دیده و فردیاد زده ام ، چه طور می شود که خنانان مالی در پیش جشمندان ملتفت شده جلوگیری از پیش آمد چنین روز و چنین واقعات فرموده اید ؟ حالا علاج این دردهای بیدرطاب چیست ؟ علاجش همان است که بارها نوشته و دستور العمل داده باز هم مطلع را تجدید می یابم

اول می در اتحاد - متقی بادشاه ، چه اگر شاه عملاً همراه مشروطیت شود هیچ قدرتی برای سر خانی مستبدین باقی نخواهد ماند ، چنانچه وقتی مظفرالدین شاه مرحوم با مشروطیت همراه شد ما ای که ابتدای امر و بر طایع مستبدین خلی گران بود احدی از رجال دولت و خداوندان استبداد را قدرت محالمت شد ، و هیچ کس دم از مخالفت هم نزد امروز هم گر شاه عملاً به اساناً با مشروطیت همراه شود هیچ رادع و مانعی باقی نمی ماند ، و در یکساله را در یک شطی توانم نمود ، حالا راه این اتحاد کدام است ، و طریق اطمینان دادن شاه بچه وضع است و کلاسی دارالشوری و حجج اسلامیة بهتر میدانند

(بری الحاضر مالایری الغائب)

حالا آمدم یقین حاصل شده که اتحاد ممکن الوقوع نیست ، و این مخالفت مرتفع شدنی نمیباشد ، عیاشات برای چه ؟ تأمل ناک ؟ يك نکته از اختلافات عملی را تعقیب نموده ، بمركز منتهی ساخته ، قانوناً آنچه کارروائی لازم شونده نباشد ، چه مسلم است با این حال تذبذب مملکت از دست میرود ، مات تباہ می شود ، خساره مالی و جانی رطایا افزون میگردد ، اجانب در داخله بر رسوخ و نفوذ خود می افزایند ، و مشروطه خواهان ازین سدمات متوالیه از مشروطه خواهی خود بیزار میگرددند ، و این مواد بالأصله سبب ضعف مشروطیت میگردد ، آیا حجج اسلامیة و وکلای محترم میدادند که چه قدر مشروطه خواهان بستوه آمده ؟ آیا تصور میفرمایند که اهالی چه قدر به سک آمده اند ؟ ماهرگز تسلیم نتوانیم کرد که ما این درجه عیاشات - حجج اسلام و وکلای قرین ، صاحت و مفید سال مالک و مات باشد ، این عیاشات بر انفسات مالی و جانی مات همه روزه می افزاید ، این عیاشات مستبدین را حری می سازد ، این عیاشات افراد مشروطه خواهان را از مشروطیت خواهی بیزار می نماید ، این عیاشات موقع به همسایگان میدهد که تفسیحات جغرافیائی خودشان را بموقع احری گذارند ، غافل نیاید گردید که مستبدین بشخصه از پیش رفت کار خویش مأیوس اند ، با این وسائل بلتیکی اجانب متوسل

و جندان دشوار نیست، ایرانیها صالح خواهند، قوای دفاعیه ضرورت ندارند، ظلم ظالم صاحب است، قشون ملی بچه درد دواست؟ رشته معاهدات با دول محکم است دیگر استحقاقات سرحدی برای چه؟ اف بر این زندگی و تف بر این بی غیرتی

(من چه گوم در همه ده زنده کو)

✽ مسافرت پادشاه انگلستان بروس ✽

§ (مستراوگریدی) در مجلس شورای ملی انگلستان تحریک نموده که درین موقع مسافرت اعلیحضرت ادورد هفتم (زرگترین پادشاهان مشروطه) در روسیه (که او این پادشاه مستبد میباشد) بی موقع است، چه اکثر از اعضای (دوما) بی روس هنوز مجرم اصلاح خواهی در قید اند و همه روزه افسران ملکی و اصلاح خواهان را بقتل میرسانند رئیس مجلس مانع از پذیرفتن چنین تحریک و تحمت شد

§ (مستراسکویت) رئیس الوزرا در جواب (مستراوگریدی) اظهار داشت، که پادشاه و ملکه انگلستان تا کنون تبریک حضوری از تاج پوشی اعلیحضرت امپراطور روس نمانده، و قرب ۷ سال است پسر خواهر و دختر خواهر خویش را ندیده، و علاوه اتحاد جدیدی نیز بین دولتین روس و انگلیس پیدا شده باین جهت این ملاقات را بیوقفه نباید تصور کرد، و نظر به امورات بلتیکی خارجه این ملاقات خیلی مختتم و کار آمد است و بهیچوجه تعلق معاملات داخلی ندارد

§ (سرامورگریدی) وزیر خارجه انگلستان در جواب (مستراوگریدی) اظهار داشت که درین اوان دولتین روس و انگلیس عقد اتحاد کاملاً بسته شده و دایاش همین انعقاد عهدنامه جدید روس و انگلیس است، و اعلیحضرت پادشاه که مصمم رفتن بروسیه شده اند فقط برای ملاقات است، و بهیچوجه انعقاد عهدنامه جدیدی یا بحث و گفتگوی در عهدنامه قدیم نیست

✽ جبل المتین ✽

این نکته نفرت اهالی انگلستان را از حرکات و حیثیات روسیان بخوبی ظاهر میدارد، حرفشان این است که یک پادشاه بزرگ مشروطه اطاعت نباید بکنند بظلم و شایسته نیست در چنین ملک و حسی رسماً یعنی بحیثیت پادشاهی انگلستان برود البته بواسطه قرآبی که با امپراطور روس پادشاه دارد میتواند من غیر رسم نه بحیثیت پادشاهی انگلستان در روسیه بروند، و بدین مضمون عرضداشتی هم بشخص پادشاه تقدیم شده، وزرا دست باچه و خوف انقلاب عمومی هم میرود بلی این است معنی مشروطیت، این است معنی ملت بیدار خداوند چنین حس را بشاه ورعیت ایران هم عنایت فرماید، که هر دو بفهمند قوت و اقتدار و اختیار شاه و ملت مشروطه چیست

موجوده ما بواسطه آنکه مشق کرده و جنگ ندیده اند و بایک فر سبزی فروشیکه امروزه لباس سربازی باو پوشانده تفنگ بدستش بدایم ادا فرق ندارد، بر فرض که این کلام را هم تصدیق نمایم، هر وقت که اقدام در اخذ قشون ملی شود همین اعتراض پیش خواهد آمد من تا واز رسای خود مجموع مانا مجموع و بلا به تمام اجمنهای ملی بلکه فرد فرد ملت ابلاغ می نمایم و با هزار دایلی حسی ثابت میکنم، و قسم جلاله هم میخورم که بدون قشون ملی استقلال دوات و مات ایران باقی می ماند، حریت و مات ایران باقی می ماند، مذهب ایران باقی می ماند، عفت و عصمت ایرانیان باقی می ماند، می ماند، می ماند، می ماند،

(تو خواه از سخم بند گیر و خواه لال)

✽ بازی تازه ✽

تأکداف اول جمادی الاول (۱۳۲۶) خبر میدهد که مقصد فر افغان مساج (ریگان) که از مضافات (بم) و یکی از نقاط سرحدی و تحت حکومت کرمان است تصرف نموده اند (ریگان) قرب سرحد افغان و بلوچستان و از روی معاهده روس و انگلیس در خط نفوذ انگلیس واقع شده است

تلگرافی که از شمله رسیده چنین توضیح می باید افغانانیکه روز خبر داده (ریگان) را متصرف شده همان جماعتی هستند که تمرد می نمودند کاروانیکه از نزدیک (جاشک) عبور میکرد این جماعت با تفنگهاییکه در طایع فارس و همان تجار محفیه وارد نموده مساج ابد راه کاروان رو مستقلاً از مکران توسط (ریگان) و (بم) تا برسد بانهانستان موجود است

قشون جدیدیکه از هند برباط براسی سرحد بلوچستان ایران فرستاده شده از غرب راه را برای خرید و فروش این گونه سلاح ها بسته است

✽ جبل المتین ✽

روسها پیش قدمی و سرحدات ایران عمده هائشان حرکات عنای بود، بر بیله سوارها هم که حمله نموده بازی را گرم کردند، حالا که در طهران هم باسب شاه یابو گفته اند، یعنی بکنفر دزد بر وکیل مایه شان شایک کرده خیلی خوب این مال روس انگلیس ها پس چه کاره اند؟

انگلیسها هم در نقاط سرحدی خود بیکار نیستند افغانستان را بجای عنای میتواند قرار داد، یک ماه قبل هم حرکت قشون را عاجلاً بطرف سرحدات بلوچستان ایران نوشتیم، فقط یک امر باقی است یعنی شلیک بلتیکی بر یکی از مأمورین آنها تا درست به نکته مقابل دولت معاهد خود قیام نماید، این هم که دیر نشده

Hablul
4, Medic
CAI

المبتدئ

سنة ۱۳۱۱

اداره با
الاسلام است
بنه طبع
و سه شنبه توزیع میشود
۸ جمادی الاول ۱۳۲۶ هجری

قیمت اشتراك
سالانه - شش ماهه
هند و برمه
۱۲ روپيه - ۷ روپيه
ایران و افغانستان
۴۰ قران - ۲۵ قران
عثمانی و مصر
۵ مجیدی - ۳ مجیدی
اروپا و چین
۳۰ فرانک - ۱۶ فرانک

نقل از روزنامه مساوات

شاه درجه حال است؟ فلاسفه گفته اند قسر دائمی
محال است و طرفدارانش در وزر و وبال بجه دلیل؟
بدلیل آنکه، قوای طبیعی و اقتضای ذاتی هر
موجودی از کائنات عالم طبیعت همواره بر قوای اجباری
خارجی و اقتضای عارضی قاهر و غالب خواهد آمد
چنانچه هرگاه بنخواهم سنگ بزرگی در جو هوا
برخلاف طبیعت معاق بماند و به مرکز خود یعنی کره
زمین مجذوب نگردد محسوس است که تا قوه جابه در
کار است آن سنگ در هوا مینماید و مانع از جذب
می شود، اما این جبر ابدی نخواهد بود و این سکون
بایدار می ماند، زیرا این قوه جبریه که عارضی و از
طبیعت سنگ اجنبی و بیگانه است با قوه که در طبع
و نهاد آن ذاتاً گذاشته شده هرگز مقاومت نتوان
نمود، و عاقبت الامر مغلوب و مقهور طبیعت خواهد شد
که گفته اند عارضی قابل الزوالست و قوه طبیعی لایزال
چون این مقدمه روشن شد عنان قلم را بجنب طبیعت
عالم اجتماعی و هیئت جامعه نوع بشر منعطف ساخته می آوریم
اقتضای طبیعت دنیا بحسب اصل خدایت ها عدل
و مساوات نه ظلم و استبداد، جور و اعتساف سبب
به طبیعت کل از عوارض قسری و حوادث حیرت
اگرچه چندی دنیا بواسطه تاریکی جهالت از
روی عنف و اجبار قبول ظلم نمود و سلاطین ظلم و
پادشاهان جور فرها دایره خونریزی و ستم را بر
جامعه انسانی نهادند و رواج دادند از فرسودگی
و خبیثت جبلی نوع بشر را مجبور به طاعت نمودند و
در تحت زنجیر اسارت و غلامی مویشین مدبو ساخته
ولی چون اساس ظلم و خود سری منافی با مزاج
طبیعت روزگار و محل آسایش بشر بود بحکم آنکه

قسر دائمی محال و امور اجباری طبعاً در زوالست،
حسته حسته طبیعت دنیا اقتضای ذات خود را بهر صفت
بروز و ظهور در آورد و آفتاب عدالت و مساوات
را از افق ذات خویش طالع ساخت، هر روزی از
نقطه استبداد را برداشت و عدل بجایش نشاند، این
عدل و مساوات همین نیر اقبال و سعادت، همین کوب
نجات و رستگاریست، همین روح حریت و آزادی،
این سرمایه حیات ابدی اول در قطعه بیناه ممالک مغرب
طالع شد، و رفته رفته خاک اروپا را جز روسیه و
عثمانی فراگرفت تا بجدی که ساغر تمدن اروپاییان ابریز
و قطعات امریکا و افریقا را از شراب ناب سیراب
ساخت و آمارا از این آب زندگانی حیات ابدی بخشید
خاک آسیا آنچه دوره تاریخی دنیا با ایشان میدهد
از بدایت عمر تا اواخر قرن نوزدهم پیوسته در دریای
سیاه جهالت و ظلم مستغرق بود و در گرداب ممالک
وحشیت و استبداد دچار
نصف اخیر قرن نوزدهم در شرق اقتضای قطعه
اسباب صبح صادق عدل طلوع نمود، و ابر رحمت
مساوات نارعد و برق حیرت انگیزی بر سر اهلی مأمور
(ژان) باریدن گرفت، و درختان آن مرز و بوم را
از قطرت جان بخش آزادی سر سبز و طرم ساخت،
بطوریکه در اوایل قرن بیستم (میلادی) صاعقه
مهریشت که تحت امپراطورهای عالم را از نهایش بلرزه
در آورد از (برت آرتور) و (کره) و (منچوری) ناسرحد
(خارین) را احاطه نمود، چنانکه ممالک ژاپن
را بزلزله و ولوله انداخت، غرض این در لا خاک
ایران منعکس و ایرانیان را از خواب ترس عمیق
بیدار ساخت و بدین نکته واقف نمود، که امروز
دنیای تازه عدل و مساوات را بخود دعوت میکند

بخود مشغول کرده ؟

آیا در فکر حفظ سرحدات است ؟ خیر - آیا در خیال تنبیه اشرار و تأمین بلاد است ؟ نه - آیا در ادبیت اصلاح قشون و تحصیل مهیانت ؟ معاذ الله - آیا در صدق تصحیح مالیه و تکلیف ثروت است ؟ استغفر الله - آیا در مقام استحکام دوازه ترقی عدلیه و تکمیل وزارتخانه ها است ؟ حاشا و کلا - آیا در ندادن ترقی مکت و توسعه تجارت و فلاح است ؟ نه و الله - نه ما الله - هیچ کدام از این ها در کار نیست ایس شاه در چه حالت ؟ نهایت تصوریکه امروز ایران مدار اسمی ما دارد و اقصا همی که در نظر گرفته و منتها هنرمیکه بدان ممرور و دلخوش است هما فراهم ساختن اسباب امور و لعب و آوردن جوی از ندمای آگشت نمای عالم دور خویش که از سرشب تا سحرگاه بیخواب و فارغ الال بیاده بوشیدن و ساده بوسیدن خود را تردماغ سازد و با حالت مستی شب را بیابان آرد و صبح آزادانه کند آنچه را خواهد ، نه سوالی در کار باشد و نه ترس و بیمی در پی

حیرتیکه مایع این عیش طربناک خویش پنداشته آئین مالکداری خاصه ، قوانین مشروطیت و مجلس شواری ملی است ، این است که بهر وسیله و اسباب جیتی که ممکن باشد علی الاتمال در صدق بر چیدن این اسس و مخرب این دستگاه آبادانی است

شکفت تر آنکه کان میکنند و این کارها نیز از مد اوکاران کسب نموده که حامل لوای مشروطیت و حافظ فوای ملت و نگهبان قانون اساسی فقط و فقط چندتنی از وکلا و چند نفر از علماء و معدودی از ناظمین و یکی دو نفر نویسندگان مات است ، چه قدر این کان از مسئله خار و از موضوع پرت است ! آه و اغمنا !! مگر به این قانون اساسی را که ضامن حیات يك ملت بزرگ و خوبیهای جوانان رشید ابرابست و با خون دل و اشک چشم و نذل طالع و ایشار جان پس از چند هزار سال اسارت و درپردری عموم ملت مدت آورده و حفظ آن فریضه فرد فرد ابرابست ؟ آه و اغمنا !!

مگر نه حقوق ملیت مشترک بین کل سکنه يك آب و خاک و اختصاص به یکی دو نفر معین ندارد ؟!

ناکی باید هیچ نکمت ؟ ناکی باید لب فرو بست ؟ تا چند باید تحمل نمو ؟ آخر مگر ما ایرانی نیستیم ؟ آخر مگر ما قالب بیروحیم ؟ حسن نداریم ؟ آخر مگر ما در این آب و خاک حق نداریم ؟ مگر ایران خانه ما نیست ؟ مگر خاک ایران باخون نیاگان ما همین

نکشته یا خون ابرایت در عروق ما سرد و منجمد کشته ؟ مگر ایران مدفن بدران نامور ما نیست ؟ مگر ما از سر حقوق خویش یاری گذشتن داریم !

زهی غفالت - و بسی بخردی

زهی جهالت - و لاهی بخبری

شاهها آنچه مساوات از ربه مملکت و تجربه این مدت در دوره مشروطیت و از اخلاق و اطوار طبیبی ملت ایران استنباط و استخراج نموده اینک اگر اظهار نکند خیانت بوطن و دولت خود نموده ، بی برده و آشکار و صریح میگویی که این هیجان خارق العاده محیر العقول که ناشی از حیات قرن اخیر در ملت تازه مولود ایران مشاهده میگردد هرگاه پیش ازین با مات در مقام ضدیت و لجاج برائی و نفوس را ملت الما آن فاسده و اغوای مغرضین زاید بر این رنج و قلوبرا متفر سازی چیزی نخواهد گذشت که نتایج جان سوز و عواقب ندامت خیز و آثار وخامت آمیزش دامن گیر دولت و سلطنت خواهد گشت شاهها !! ما ملت ساز و بردشمنان مملکت بتاز و از سمایت حاشیه نشینان که جز دروغ گوئی و دورویی سرمایه ندارند قافیه سلطنت خویش را بیهوده مبار

شاهها !! روشن و مبرهن است همچو مات بیدار و قوم هشیاریکه توسن همشان در میدان آزادی تازه نفس باشد و شاهباز بلند پرواز هنرمشان در هوای حریت و مساوات سبکروح گردیده ، هرگاه از کسی موانع سعادت ابدی و محبت جاویدانه و موجهات اضمحلال شرف و سیادت دائمی خویش را عانا و آشکارا مشاهده کنند - هیچ تصور کرده که تا چه حد و بجه اندازه و پایه کینه و عداوت مفرط و برا دردل خود جای میدهد ، نفرت و انزجار قوی خود را نسبت با نکس چندر اظهار میدارند ، و اگر بمرهم الفت و محبت همان خاطرهای شکسته را التیام ندهی دقیقه بدقیقه بنض و کینه در اشتداد و جبارت و مجری رو به ازدیای می نهد از کشاکش با مات و گیرودار بانوع تاکنون هیچ سلطان قاهر - هیچ نافذالامر مقتدری - صرفه نبرده و طرف نیسته ، و هیچ بادشاه قادری از این بند سلامت نرسته

(هر که با فولاد بازو بجه سکرد)

(ساعد سیمین خود را رنجبه کرد)

چه ملت ناموس خداست و با ناموس خدا در افتادن خطاست ، و تازیانه قهرالهی در قفا ، از ما گذتن و از صاحبان درد شفتن ، از یزدان بلك او دادن و از شاه کار بستن

مکتوب طهران

امروز عصر که برای تکسب اخبار و اطلاع جدید بطرف بهارستان مجلس میرقم با یک دلی غمگین و حالی اندوهگین بخانه مراجعت نمودم، و بحال بدبختی این ملت متفکر شدم

چیزیکه عجباً سبب هیجانات موقتی مجلسیان و وزراء باشرف شده خبر تلگرافی وزارت خارجه است، که مجدداً اگر آدمتمرده شکای اقدام و اشتغال قتل و غارت در ارومیه و خوی و ساهاس نموده و تقریباً دو هزار نفر از زن و بچه صغیر و کبیر را کشته اند

وزراء با چند خروار لقب و منصب در مجلس حاضر و بیک لطیفه و بذله گوی شاهزاده کیوان مدار وزیر جنگ مجلس ظلم گردید

آیا نظم سرحدات را باید مجلس بدهد ؟

آیا مالیات ده بگری و بلوچستان را باید مجلسیان بگیرند ؟

آیا نظم و آرایش ولایات و تعیین حکام و رسیدگی بدعاوی را باید مجلس نماید ؟

خبر حز اینکه دولتایان مجلس را که مانعاً و پناه سی کرور ملت ایران است بازبچه تصور نمایند و باطناً از این قتل و غارت خوش حال باشند منظوری ندارند

مؤید الاسلام - بحقیقت اسلام سوگند این وزراء و این امراء آبی در فکر مملکت و ملت بستند و جز به تکذیر نروت و جلب منفعت و وسعت دادن پارک و از دیاد کالسه و اشتغال بشهوت رانی هیچ فکری ندارند و بدین عقیده اند که یا علی ضربش کن من هم همراه

باعث حقیقی این قتل و غارت و کشته شدن چندین هزار نفوس محترمه و افتضاحات نگفتنی و نشنیدنی و تخلیه (ساوجبلاغ) و تصرف (وزنه) و (لاهیجان) و (بانه) و (سنز) و غیره تمام سوء تدبیر حکومت نظام السلطنه آذربایجان بوده، که بعد از مهرب کردن قرآن عید نقض عهد و سوگند کرده جعفر آقای شکاک را مقتول و این قتل بزرگ خان ماسوزرا که چون خون سیاوش جوشیده و این دو ساله در تمام اطراف تبریز سیلان و هر روزه جوی نفوس بی گناه هدف کلوله اگراد مزبور میشوند واقع گردیده است

وزراء و امراء ما مجلس مقدس را بازبچه تصور نموده و کاغذ انجمن ها را که اول مؤسس و حافظ ارکان مجلس اند برناب کرده و با اینکه سند بخط و مهر خودشان در دست حاضر است باز میگویند (که این مجلس نازی چیست ؟)

آیا تصور می کنید که برای این تعاقب و تخطی و قتل و غارت عثمانیان در سرحد هیچ اقدامی که مقرر نم باشد وزراء عظام کرده باشند ؟

بلی فرمانفرما را در گوشه ساوجبلاغ محصور و بی استعداد گذاشته هر چه فریاد نمود، تلگراف کرد و استعداد خواست، تمام را وزراء باغیرت پشت به بخاری داده و گوش ندادند بدتر از همه از ساحت وزارت خارجه قدغن شد که تلگرافات فرمانفرما را برای آگاهی ملت در روزنامجات درج نه نمایند

بنده سئوال میکنم که در مقابل این همه قتل و غارت و آتش زدن قریه (زمرگر) و غیره و گمراخته ایران که روسهای وحشی در این دو سه روزه نموده اند این کابینه خیر خواهی چه اقدامی کرده اند ؟ هنوز صدای شهدای شیراز در این فضای لابنداهی آسمان پیچیده و ناله مظلومین و ماموفین کرمانشاهان گرش فلک را کر میکنند هنوز مقتولین یزد و کاشان و شده گان قزوین و زنجان و شهدای هوا و موس غارت باغیان آذربایجان اصلاح پذیر نشده

رحیم خان چایبالمو که با آن همه خون دل و هیجان ملت در طهران مدتی زنجیر شد مجدداً این چند روزه فرار و در مرض راه قزوین قافله را غارت نموده پس از وصول او بمقصد باتمانی که دارد معلوم است چه خواهد کرد، خدا بفریاد آذربایجان ها برسد

بجهان شاه خان باغیرت که تمام اموال مردم زنجان را غارت و جوی را هدف گلوله نمود چه کردند ؟ جز اینکه در مجلس عیش وزراء مدعو و در سر مبر از جمله هورا گویان گردید

آیا در مقابل این خلاف قانون اساسی که در طهران شد بحاجب الدوله و متضد دیون چه کردید ؟ جز اینکه خلاصه اتهامات و کلاه و هیجانات موقتی این شد که باصلاح فصلی بر قانون اساسی افزودند و مستشارالدوله وکیل محترم مجلس باواز بلند فریاد زد

که در این مواقع خون شخص نانی دارد باید روی این کار بك حفظه گذاشت

پارسی جدید مجلس اگر اطلاعات خفیه و اقدامات عداوت انجمن ها نبود خاصه انجمن برادران دروازه قزوین و استحضار بعضی از مدیران جراید آن شصت نفر که مهر مجلس را هم مدال ساعت خود کرده بودند مورت چه طریقی ها که نمیگردیدند، و چه قدر بدبختی نکبت برای این ملت فراهم نمی نمودند

آیا مجازاتی در کار هست ؟ خیر خیر

اگر شاه که رئیس قوه مجریه است و مایه سعادت آئینه ملت است همراه نباشد صد سال همین شکل مشروطه داشته باشم آیا يك قدم ، یکدوره ، یکساعت ترقی و سعادت برای ملت تازه پیدار شده منظور مس... ؟ حاشا و کلا

زهی شرمساری و خبی حجات که اروپا حل و عقد ما هیچ خیالی ندارد جز اینکه بعشق فلان مانام که بجناب و بوزیر دست میدهد (دمون شرمی) بگویند و در مجلس تجدید کثرت همسر او را نمایند و اضافه مواجب برای او بخوراند

فلان وزیر در مجلس با يك حرارت و شدتی درخواست اصلاح این مسئله و تجدید کنفترات (سبب) داشه را نمود که تصور نمودم این تشدد برای طرح اردویی است که بسرحداث میفرستند

اربع لدوله براس با دانش جز اینکه در اسلامبول همه دوزخ حکم به بستن دبستان ایرانیان بدهد و آلت کار عثمانیان واقع شود و برای ترضیه خاطر يك نفر وطن خواه عثمانی با مبلای پول از طرف ساطان بمصر مسافرت کند و بيك خوشامد گونی درماریان عثمانی و برنس گفتن ساطان حدود مقدسه ایران را بتصرف اجانب دهد آیا چیز دیگری از او ساخته هست ؟

قدر يك تانسه ملایتر نماینده کالی اجانب هرچه دارد ؟

در حق این وطن فروشان و این با دانشان وزراء چه فرمی نموده و چرا در مقابل آن خواهش نامعالی حد آابتاده کی ننکرده و او را نخواستند که عاکنه و محاسنات شود ؟ معلوم است زیر این کاسه نیم کاسه هست

رئیس گمرک حالیه ما که چکیده فرنگ است ،

بدواً بهضویت مجلس منتخب و براسی وصول بمسند وزارت که منتهی آرزوی اوست استعفاء داد با این همه بخارج گزاف گمرکی چه میزانی قرار داده؟ و صورت مواجب باژیکیان درست کار را که در اداره گمرکی مستخدمند چه حک و اصلاح نمود ؟ جز اینکه برای پیدا شدن گمرک باژیکی یا فرماقرمای گمرکات از جیب دولت اضافه مواجب داده شد و احدی نپرسید که این بذل و بخشش را که بطور استمراری است بتصویب کدام وزیر و در ازاه کدام خدمت داده است ؟ این باژیکیان مزدور با عصمت اند که دو سال قبل هفتصد و پنجاه هزار تومان اضافه دخلیکه در سنه گذشته گمرک عمل نموده در هیچ دفتری اسم از او نه رده بودند ، و خودشان میل فرموده و خرج رائف یار نمودند ، حالاهم مصدر کار و فاعل مختار اند و سزه کی در صدد اند که زحمایشان را هم داخل در خدمات گمرکی نمایند

کدام روز و چه وقت خان و مستبد را مجازات دادند که مایه عبرت شده تا دیگران حدود خود را نشناسند هر وقت سخط دیدند بهیئت اجماع مجلس حاضر شده و تجدید عهد و سوگند نموده گذشته از مجلس این ایامان قرآن مجید را هم بازچه و کتاب گره و موش تصور می نمایند

کدام فوج را اصلاح ، و کدام سواره را بطرز جدید مشق دادند ، با چه فوجی و با چه قورخانه و توب خانه می توانند در مقابل احاب مقاومت و ایستاده کی نمایند (وا حجتانه)

مسئله حرکت اکبر شاه با دستور العمل لازم بسمت عتبات و رفتن مشهیدی حسن برادر معین لرطایای کرمان شاهی با صدمیت متفقدالدوله کرمان شاهی و برخی مشروطه طلبان به نجف و استفتاء از آقایان علما و بیهانه دعوای (شمرگد) و (زگرد) با همراهی حکومت عثمانی هجوم عطیه حرب بمحل درس آخوند و قتل دو نفر طلبه و اغتکاف آخوند در کوفه ، آیا دیگر شبهه برای احدی باقی می گذارد ؟ همین بست فطرتاند و همین فرومایه گانند که برای تخریب این اساس مقدس مشروطیت منشبت با این دسایس و اغتشاشات شده و فلان بزدی را وادار بضدیت با آقایان صحیح اسلام می نمایند (وا غفلتا)

ناکی نباید حرف زد و تا چند بسکوت قائل

شویم بحقیقت انسانی قسم مملکت در خطر رشته قومیت و ملیت گسیخته ، سرحدات شورش ، ممالک متشوش مردم مأیوس به داد رسی و نه فریاد رسی

گاهی میر هاشم آقا در تبریز برای قربانی عبداحی و اغراض نفسانی و دستورالعمل از مقام عالی باعث اتمه قتل نفوس بی گناه میشود و سؤال کننده نیست زمانی پسران قوام اولاد قاطمه را مقتول و یک نفر مجتهد را در شیراز شهید و با نطق جسد سید را آتش میزنند

با این اوضاع چه باید کرد؟ و با این بی علمی و بی اطلاعی و کلاه چه باید نمود؟ رشته امور ارتکف عموم گسیخته خاک اضمحلال بر سر ایرانیان بخته شده اگر از تمام عقلاء که سهل است از یک دیوانه بی شعوری هم پرسند که چاره چیست ؟ خواهد گفت اگر شاه همراه باشد تبریز و سایر ممالک اصلاح خواهد شد ،

اگر شاه مساعدت نماید سرحدات منظم خواهد شد

اگر شاه همراهی کند امور مملکت و دوائر دولتی مرتب و دایر خواهد شد

اگر شاه بیکدم بکنم معاونت نماید افواج مرتب و قشون ملی دایر خواهد شد

خدا نیست و نبود کند این شاه پرستان دروغی و این فدویان مصنوعی را که برای تحصیل ثروت و جاب منفعت مانع از اتفاق شایند

بتازه کی انجمنی از جوانان غیور گمرکی تشکیل شده رئیس عالیله گمرک همراهی بلژیکیان در تخریب این انجمن دقیقه فرو گذار نمی کنند ، تا کنون آنچه توانسته اند چند نفری را بضرر پول و رشوه از انجمن مزبور بری کرده و صریح فرمایش ریاست پناهی است که (من از اسم انجمن بدم می آید) واقعاً خیلی مضحک است جبهه اینکه وزیر متمدن از اسم انجمن بدشان می آید معلوم نیست ، جز اینکه تصور نماند که دانشمندان این انجمن و استقامت آن ، جلوگیری از دزدیهای اینگونه وزراء خان و بلژیکیان خواهد کرد چیز دیگری نیست اگر اراد و جلوگیری مجلسیان نبود حرکت آقا بالاخان بحکومت کردستان با دستورالعمل لازم چه آتشها روشن می ساخت

در دوره ریاست همین وزراء است که اعظم الدوله پسر ظهیرالملک زنکنه با سمت نیابت حکومت در کرمانشاه

ده از ده نفر بیچاره را بطور زمان بربریت و استبداد کشته و مسئول احدی واقع نگردد

آیا اگر مطمئن به همراهی و مساعدت وزراء نبود این بی حمت می توانست مراکز این اعمال مستبده بشود؟ از بی علمی و بد بختی این ملت دل نگرام ، هیچ عزمی را بخ و هیچ استقامتی در این ملت نمی بینم دست خوش دیگران است و هر شکل که چند قریبی از صاحبان اغراض نخواهند کور کورانه و فهمیده حاضرند آیا تصور میفرمائید که بقوه عزم را بخ دارای این مشروطیت اسمی شده ایم ؟ ؟ خیر باید متشکر طبیعت بود

در یک روز و یکساعت میخواهند صد رشته کار در هم و بر هم را انجام بدهند

مردمان سیاسی ما علم نقشه و مقدماتی برای اصلاح کار شش ماه بعد از امروز می چینند ، ولی ما از اسکه عجول و بی اطلاع هنوز این رشته کار را تمام نداده اصلاح دیگر را می خواهیم

در بکرورمیخواهیم هم قوانین عدلیه و هم نظامنا ، پلیس و هم قشون ملی در عااس حوایده و امضاء شود با عزم راسخ اسم نا پایون اعظم نقش تواریخ عالم شد ، سازگی جناب محمدالملک در عااس عقیده اش به ستان مدرسه فلاح است ، الله میداند که سعادت مات و مملکت بسته بکثرت معارف است

از بسکه این زردشتیان محبت ده یزد و کرمان صدمه و اذیت رسانیده ، و چند نفری از آنها را کشتند ، با داشتن وکیل در مجلس مهدس نزدیک ست بطرف هندوستان مهاجرت نمایند

خود این بنده چنانچه خاطر مبارک مسبوق است بعد از آن همه صعوبات و خسارتی که در صدر عباس به بنده وارد آمد و بلژیکیان به همراهی دوسه هزار وطن فروشان و خائنین که قلم را از بردن نامشان طار آید با قوه حربه بدون اطلاع مراکز ارتکوک طردم نمودند ، مدت دو ماه نونف در بوشهر و تلکرافات تعظم بر رئیس الوزراء سابق جوانی که اسباب آسودهگی باشد مداند مجبوراً بطهران آمده (دیدم آب از سرچشمه خراب و بل اطراف آب است) ما بودن این وزراء کلاف می کنم هیچ کاری اصلاح شود ، مگر اینکه (دستی از غیب برون آید و کاری بکند) تا زمانی که وزارت از این دسته آبر خارج نشود که آنچه (بر) میزنی ماز یکی از آن عده آس

بیرون می آید امور مملکت و ملت معوق خواهد بود
باید جداً با قوای ملت کاری نمود که بعد از این
هیئت وزراء از اشخاص طبقه دوم عالم و وطن دوست
ملت پرست انتخاب شوند تا کار بجزای صحیح خود آمده
و رفع تمام معایب بشود

در ختم این مقال عموم برادران وطن خاصه اجزاء
وطن پرست گمراه را بتأسیس انجمن محترم اتحادیه اجزاء
گمراه در طهران بشارت میدهم، و مطمئن میباشم که
بعد از این به سمت جوانان غیور ایرانی نژاد و انجمن
های ملی دارالخلافه از تصدیات بازیگمان و غیره آسوده
و راحت خواهندزیت یابند یاد دارالشورای ملی ایران
(حسن الحسینی مترجم نظام)

مکتوب از اسلامبول

این هفته نسخه شریفه شماره ۳۴ نامه مقدس قرائت
فقره بعنوان (مکتوب اسلامبول) در خصوص حاجی
عباسعلی آقا جوالیقی و حاجی عبد السلام آقا نسیا کوچی
مصادف نظر استغراب گردید که در کمال ناچاری با
وجود اینکه بنده نگارنده قابلیت اخبار نگاری ندارد
مجبور بتصحیح فقره مزبوره گردید که هرگاه صلاح
و قابل وثوق دانسد لطفاً امر فرمایند در نسخه های
آئیه نامه مقدس درج و خاطر نشان قارئین گرام
نامه مقدس نمایند که این فقره ناشی از اشتباه نگارنده
مکتوب مذکور بوده و یا اینکه اغراض شخصی
در میان بوده است چرا که عموم مقیمین اسلامبول
میدانند دو حاج مشارالیه هر دو از پیران محترم و
ارباب طایر و ملت و وطن پرستان ایرانیان این سامان
معدود و بکلی منزله از اسنادات مقرر صانده صاحب
مکتوب هستند و تا کنون حرکتی که مخالف منافع نوعی
و ملت پرستی و مشروطه خواهی باشد هرگز از ایشان
سر نزده و انشاء الله من بعد هم نخواهد زد

در هر حال از آنجائیکه وجدان مبارک حضرت
عالی منزله از هر گونه افراض است البته راضی نمیکردد
که دامن اشخاص محترم و ملت پرست با لوث افراض
آلوده گردد امید و انشاء الله بتصحیح فقره مزبوره
عنايت و امر فرمایند در هوض آن این فقره را که از
موقع خیلی موثوق ترشح نموده در ضمن جلب نظر
توجه وزارت جلیله داخله درج نامه مقدس فرمایند
بسمت الله خان طوچی که سابق مباشر طوچ بود
اهالی از ظلم و تعدی و اجحاف او بستوه آمده و در

صدد قنالش بر آمده بودند گریخته مدتی تبریز پنهان
بود حالا حکم تسویج شده ولی متأسفانه جناب مقرب
الحاقان آقا میرزا عبدالمحمد خان مجدالوزاره که سالهای
دیر از در مأمورینهای داخله و خارجه بصداقت و
کفایت خدمت بدولت و ملت نموده و پارسال از
جنرال قونسلیگری آطنه عززل و طایم اروپا شد در
این مدت آنجا خواه نشین مانده گویا هنوز هم در مملکت
ما خدمت و صداقت را بخرج نمی برند و اشرار را
موقع قدیم باقیست

جبل المتین

لازم به بیان نیست که اعضای این اداره ملی را با
احدی غرض و مرض نیست اگر سهوی بشود از
وقایع نگاران است هر کس درباره شخص ماهر چه
بد بگوید و بد کند از او گذشته و میگذریم
ولی آنچه اضرارش راجع به نوع باشد ولو برادر عزیز
ما اقدام کند از او نگذشته و نخواهیم گذشت چه وظیفه
ما حفظ حقوق نوع است انشاء الله در وظیفه خود
تساع نخواهیم نمود و چشم پوشی نخواهیم کرد

مکتوب از مصر

علاج واقعه پیش از وقوع باید کرد عقیده بعضی
این است، که مرحوم مصطفی کامل مدیر جریده لواء
در مصر بواسطه آزادی طلبی خدمت نمایان به وطن
نموده، چنانچه در روزنامهها تحسین زیاد از او میکنند
و مصرها خیال سلطنت مجسمه از برای یادگار او دارند
ولی عقیده جمعی برعکس است، میگویند
مصری آزاد نیست و از این آزادی طلبی جز عناد
طرف مقابل و سخت گیری و ضرر وارد آوردن به
ملت چیز دیگر مشاهده میشود، چنانچه آشکارا دیده
میشود سر خر برگشته مصر باید از دستی که گرفته
پس بدهد، آنکه تدبیر آباد کردن داشت تدبیر خراب
کردن هم دارد، مرضی که بدام افتاد چاره جز اینکه
مترصد وقت باشد ندارد و تمام داد و فریاد او جز هواست،

پس ما ایرانیان باید وقت را غایب بشماریم
و پیش از آنکه بدام بیفتیم در صدد زندگی بر آیم غرض
شخصی را کنار بگذاریم، و برصع آدمیت مانع را
از پیش برداریم و مشغول اسباب زندگی بشویم، تا اینکه
اسم ما هم در جمع آدمیت بوضع خوبی گفته شود، در این
فقره قدری حرارت لازم است نه مثل سابق که بخوابیم
و تمام کارها را به تقدیر رجوع نموده و فلک را مقصر
بدانیم که چرا با ما کج روی نموده، دوست دار وطن صادق

اعلان

تاریخ سرجان ملک مصور که نقشه ایرن را هم داراست بطبع اعلی ، کاغذ و خط خوب ، در نمبر ۱۶ وکتوریا رود کرایس لین ، مازگام ، بمبئی . نزد آقا میرزا محمود صاحب ناچر کاشانی ، و در اداره جبل المتین کلکته بقیمت دوازده روپه بفروش میرسد ، اجرت پست بر ذمه خریدار است ، بهر يك از این دو مرکز میتواند رجوع نمایند .
نقشه ایران نیز علیحده بقیمت دو روپه بفروش میرسد

ایضاً

یومیة جبل المتین در هشت صفحه با مسلك و مشرب پانزده ساله خود در طهران اشاعت می شود ، هرکس در هندوستان طالب باشد در کلکته بدارة جبل المتین - و در ایران و سایر ممالک خارجه به (طهران) خیابان لاله زار - اداره یومیة جبل المتین رجوع نماید . قیمت سالانه در ایران سوای طهران چهل و پنج قران و در ممالک خارجه عموماً سی فرانک است

اعلان

جلد دوم ابراهیم یک که افراد ملت را بهترین نازیانه غیرت در حب وطن است با کاغذی بسیار اعلی و طبعی خیلی خوب در سیصد و بیست و پنج صفحه بقطع جلد اول کتساب موصوف بر ایے فروش در اداره موجود است ، این کتاب گویا لازم بمعرفت نباشد ، همین قدر کافی است که بگویم این جلد از جلد اول نافع تر و دلچسب تر است ، هرکس جلد اول او را ملاحظه نموده از مذاق مؤلف و سیاق کلام و حیلالات طالبه آن بخوبی واقف است ، که در زبان فارسی کتابی باین سبک و سیاق نوشته نشده ، قیمت چهار روپیه ، اجرت پست بر ذمه خریدار است

(میکادو نامه)

میکادو نامه منظومه است در جنگ روس و ژاپون

که بوضع شاهنامه نگاشته شده ، و دارای ۸۰ عکس های حقیقی میدان جنگ میباشد با کمال امتیاز بطبع رسیده هرکس خواستگار باشد بدارة جبل المتین کلکته رجوع نماید قیمت در هندوستان سه روپیه ، ایران يك تومان ، اجرت پست بر ذمه خریدار است

کتاب موجوده در اداره برای فروش

روپه - آنه	
بهارالانوار کامل	۴۰۰
سکندر نامه قلمی ترکی	۱۰۰
تاریخ سر جان ملک مصور	۱۲
سفر نامه مظفرالدین شاه مرحوم	۴
سوانح عمری امیر عبدالرحمن خان مرحوم (در دو جلد)	۴
منتخب تاریخ ساسانیان	۴
بنایع الموده جهاب اسلامبول	۰
فرائد عوائد ملل	۱
آثار عجم	۶
احوال حضرت زینب سلام الله علیها	۸
میکادو نامه مصور	۳
مکالمه سیاح ایرانی	۲
داستان شکفت	۱
دیوان سرخوش	۱
دیوان حافظ جهاب عکسی	۱
رباعیات مولانا روم	۳
دیوان عنایب (کاغذ و طبع ممتاز اعلی)	۴
قصائد قافی	۴
منتخب قصائد قافی	۷
ابراهیم بیگ جلد دوم حاجی بابا اصفهانی مصور (در دو جلد)	۷
گلچینه باقری (غزلیات)	۸
اخوان الصفاء (اردو)	۸
منتخب مثنویات سودا (اردو)	۴
آرائین محفل (اردو)	
نثر بی نظیر (اردو)	

مجلدات جبل المتین سال ۸ و ۹ و ۱۱

اشتهار

MOTORS CARS RENAULT FRERES
Boulevard des Capucines (France) فرانس



حاصل کننده انعام بزرگ شرط بین ویاہ وپاریس

و

گیرنده خلعت از (اتوموبیل کلب) فرانسه

فهرست بجائاً فرستاده میشود

مسرت

در این اوان سعادت توامان آقا میرزا یحیی
دارند و بنام آقا میرزا هدایت الله
واعظ شیرازی که از احوال عالیہ در محاسبات انگلیسی
اندک زمان با سفرس از حسن مراقبت و جودت فطری
درجه (بی - ای) را امتحان داده کامیاب گردید و
سند لیاقت را دارا شد

خیر مقدم

جناب مستطاب شریعت مدار جامع صفات صوری
و معنوی آقای آقا میرزا محمود سلمه الله تعالی فرزند
ارشد ارجمند حجة لاسلام مرحوم حاجی بیج عبدالجبار
طاب تره از مشاهده و ملاحظه بعضی ممالیات از
شیراز بقصد عنایات عالیات عریضت نموده (مصداق
عرفه الله یفسخ العزائم) در بوشهر را ایشان منصرف
و تشریف فرمای حطه مندوستار گردیده اکنون
با کمال عزت و شرف در بمبئی نزول اجلال فرموده
مدام شریفشان را تبریک می گویم

اخبارات خارجه

(سنز اسکوت) رئیس الوزراء در مجلس ملی
انگلستان اظهار داشت که گنجایش وقت و فراغت
از کارها چنان می نماید که در اواخر جولای مجلس

وقایع نگار (طمس) از (وانکو یار) می نویسد -
که در (ماساید) دبستان افتتاح شده که بطاهر غرض
خود را این ظاهر کرده که هندیان را زبان انگلیسی
تعمیم دهد، ولی معناً متصودش اینست که خیالات
طلاب را به بغاوت برخلاف دولت برانگیزاند - این
دستان بر نگرانی ۳ نفر از هندیان است

در (نازیک) تصادم سختی در راه آهن پیش
آمده ۳۸ نفر هلاک و ۷۹ نفر مجروح شده اند

ژاپون را اراده ایست دومایون لیرا از قرار صدی
بیچ سود سالانه برای تعمیر راه آهن جنوبی منچوریا
در لندن استقرض نماید

هیئت وزرای روس را اراده ایست که گمرک
فوق العاده که در چائو هند وسیلان گذارده شده از اول
سپتمبر تخفیف دهد

در خصوص سکه نریمی که قانوناً مد نظر بود در
تجمع الجزائر (فلپین) بشود فعلاً موقوف شده است
(سیو کروسونز) نماینده رسفیر روس در
(بیکن) مقرر گردید

در بار انگلستان با کمال تحسینات ملقده، دیوان نیال،
راحة کوچ بهار، و نواب جنجیره متصل تخت پادشاه
حای گرفته بودند

عجبر (روتر) از (بیماسه) خبر میدهد که در
(اسوگا) من اضلاع (اگنده) قحط شدیدی شده
و بالغ (۴۰۰۰) نفوس بهلاکت رسیده با اینکه بجای
هزار قحط زدگان را از طرف حکومت خوراک میدهند
در (موهوک) که در (نیویارک) واقع است در
مجلس شورای محلی (مسیو تاکامیر) در ضمن نطق
تعمیر زیاد از کار روانی های دولت ژاپون نموده که
امنیت را برقرار داشته است

تائگرانی از (میدرید) بای تخت اسپانیا رسیده که
(دبوک و دجس آف کنات) را مهمانی رساه نموده اند
(فرانسویس کوی) شاعر مشهور فرانسه وداع
زندگانی نمود

اعلیحضرت امپراطور روس مجازات مجرمین
سرحدی را مزید فرمودند

الفران نظامی جنوب آلمان که اکنون در
انگلستان هستند در قمر (بکنگهم) بحضور اعلیحضرت

پادشاه انگلستان شرفیاب شدند

§ بموجب فرمانی که از باعالی صادر شده ، دولت عثمانی منظور نموده است ، چهار شعبه جدید در خط راه آهن بغداد ساخته شود و مصارف آنها که (۲۲۰) ملیون فرانک تخمین شده بطریق استقراض باقسط گرفته شود

§ (۱۳) فرزند جهازات جنگی انگلیس و (۸) کشتی موشک شکن و بسیاری از کشتیهای کوچک برای استقبال (برسیدنت فلاریس) رئیس جمهوری فرانس در (دوور) منتظر و آماده اند

§ تمام جرایم انگلستان از ورود (برسیدنت فلاریس) اظهار مسرت می نمایند

§ حکمت عدلیه نظامی (پترسبرگ) چند مرتبه صلاح خواهان سنه ۱۹۰۵ را بموجب ذیل مجازات داده

§ (۱) نفر را سزای اعدام

§ (۲) نفر را حبس دوام

§ (۳) نفر را حبس دوام بعبور از دریا

§ رئیس جمهوری فرانس و همرایان شان را در (دوور) با کمال احترام استقبال نمودند و از جهازات متصل شلیک تبریک ورود می شد

§ بموجب خبری که از (اسورسک) (پترسبرگ) رسیده (۵۰۰۰) قشون دولت چین از (کیرن) در (چینتو) فرستاده چه دولت ژاپون بر اهالی آنجا مطالبات می افزاید بدین بهانه که (چینتو) از مدحقات (کوریا) میباشد

§ (کلوت بتاروکوستا) بمهدت منصرمی - هارنخاله انگلیس در ژاپون مندر گردید

§ اعلیحضرت ادوردهتم پادشاه انگلستان درنمایشگاه (انگلیسی - فرانسوی) شعبه راجع به هند را افتتاح نمود (سروایم وارنر) وعده افسرانیکه درهند خدمت کرده بودند پادشاه و ملکه را استقبال کرده ملکه تمجید زیاد از اشیاء نفیسه موجوده نمود

§ (برسیدنت فلاریس) رئیس جمهوری فرانس در قصر (ماربره) بطعام مدعو گردیده شرکت در رقص شاهانه و رسانه نمود ، در این مجلس ، دیوان نیپال ، و راجه جام نگر ، و مهاراجه کوچ بهار ، و نواب جلجیره نیز شرکت داشتند

§ (برسیدنت فلاریس) رئیس جمهوری فرانس عمارت (گلدمال) را ملاحظه نموده ، معظم الیه را بیرون عمارت استقبال شایانی نمودند ، برسیدنت هوصوف در ضمن نوشیدن جام صحت (لارد مید) اظهار داشت که امیدوار است این بساط های محبت آمیز بین دولتمندان و اتحاد را روز افزون نماید

§ (سرجاراس دانکی) در حواب (مستربوکان) اظهار داشت که تا کنون نصفیه در مسئله امتداد راه آهن رودخانه کابل تا قاصله (۳۰۰) میل شده ، و تحریری هم در این خصوص نزد (لارد مارلی) وزیر هند تقدیم نه نموده اند

§ پادشاه و ملکه انگلستان و رئیس جمهوری فرانس (برسیدنت فلاریس) در نمایشگاه (انگلیسی - فرانسوی) اکثر شعب را افتتاح نموده و از طرف رئیس هر شعبه پذیرائی شایانی از ایشان شد

§ (برسیدنت فلاریس) در لندن بهر طرف رحمت نماید ، اما کمال شبت و تحمل اهالی انگلستان او را پذیرائی و استقبال می نمایند ، افسران پلیس لندن را عقیده ایست که چنین اجتماع محبت آمیزی در ورود هیچکس در هیچ وقت دیده شده بود ، پشت نام و دریاچه و حاق بری تماشا هجوم آورده بودند در تماشاگاه (کسور) ز کثرت عمل قائم نبود

§ (۱۳۰) کتیش های آلمانی از هر مذهب وارد لندن شدند

§ این اوقات نوح گندم در (چکاگو) خیلی ترقی کرده است

§ ملکه و پرنس و کوریا اهمیت اعلیحضرت پادشاه

نکاستان در ملک روسیه به شرح خواهند رفت

§ تمام حرام روسیه اطهار مسرت از ورود پادشاه انگلستان در (پترسبرگ) می نماید و غالب رای بر این است که این مسافرت موجب ازدیاد روابط و اتحاد بین دولتمندان روس و انگلیس خواهد شد ، و نیز متعهدان که مسافرت (برسیدنت) فرانس در انگلستان مبنی بر معاملات پانیک است

§ امپراطریس و ولده ماحده امپراطور روس بمعیت امپراطور در (رپوال) پادشاه انگلستان استقبال خواهند نمود

§ (پرسیدنت فلاریس) و (مسیو پشون) در قصر (وندزور) وارد و سپس در (فررگور) بر مزار (ملکه - وکتوریا) چادر پهن نمودند

§ خبری که از (کیپ تاؤن) رسیده ظاهر می‌دارد که شورای ملی (مستعمرات) اختتام یافته انتظام کمرک و راه آهن جناح بود برقرار ماند

§ تلگرافی از (هنکاک) رسیده که مجلس وضع قانون نحرک دوات را درباره ترک فروش تریاک با آرائی (۸) نفر بمقابله (۵) ناممطور نموده است

§ (لاردمبور) شریف (لندن) کشیشان آلمانی را در عمارت‌های مذهبی مهمانی نموده و اظهار داشته که بین قبیل مرادوت دوستانه بین دولین ازدیاد مودت خواهد بخشید

§ چهار جنگی روس (پترزوی گریت) در حین عبور دریا متصادم با کوهی شده نقصان زیادی یافت § وجه استقراضی راه آهن چین زاید بر احتیاج موجود شده است، فقط مبلغ (۵۰۰۰۰۰) لیرا لازم بوده، ازین رو قیمت سندات این استقراض در بازار ترقی نموده است

§ دیوان (نیال) در (دوور) ملاحظه جہازات موجوده لنگرگاه را نمود (لارڈ چارلس بسفورڈ) مشارالیه را در چهار خود دعوت نمود

§ در (لوزون) واقع در جزیره (فلیدیان) مرض وبا شدت شیوع یافته است

§ (پرسیدنت فلاریس) رئیس جمهوری فرانس در سفارت خانه فرانسه مدعو شده (۸۵) نفر روی میز برای طعام اشسته بود

§ (پرسیدنت فلاریس) رئیس جمهوری فرانس از لندن حرکت نمود، (پادشاه و ولیمهد و سایر شاهزادگان) بهشایت مشارالیه تا ایستگاه راه آهن نشریف آورده، با کمال احترام تودیش نمودند

حجرت قابل توجه انجمنهای بوشهر

رهنمای ما بدست چه اشخاص است،

نیجات ایران عقل و علم و فکر و زحمت میخواهد

(نگارنده از بمبئی چنین می‌نویسد)

چندیست مقالانی از اثرخانه مخبر بسیار درج‌برده

مقدمه زیارت و کتب مسرت مینمایم، این بنده خودم از اهالی بنادر میباشم و تا اندازه از کم و کیف امور آن نواحی اطلاعی کامل دارم بد ندیدم که بوسیله آن گرامی نامه قدری سخن برآیم و معلومات خودم را بر طبق اخلاص نهاده تقدیم حضور هموطنان بکنم شاید همایضم را بخوانند و اگر بد دانشدار به بندند، مخبر بسیار هر چند در نگارشات ادبی بر حسب ظاهر بدی طولاً دارد و در حقیقت گوئی بیچ چیزی فرو گذار نکرده، اما چون اذهان هموطنان قابل آن گونه فرمایشات غامض نباشد، محتمل بلکه ممکن است که کلماتش را بطوریکه سزاوار و واجب میباشد، درک نکنند و تفهمنند و از این حمة خوب بود، که قدری در مرقومات خود طریق سهل و عوام فهمی اختیار مینمود تا بیضش هموم باشد، و بعضی اینکه بنده خودم واعظ غیر منمظ نباشم اکنون حق المقدور سعی خواهم بود که مقصود خود را ساده و صرف بیان کنم

در بوشهر که بقول مخبر سیار پایتخت بنادر است حالا تغییرات عمده بهم رسیده اساس انجمن ولایتی که از دو سال بان طرف در مقام انعقادش بوده و بایل نمیشدند، برقرار گشته است و بعلاوه انجمنی باسم صفا و یکی دیگر (اتحادیه) و دیگری (الحدوت) و دیگری (تجارت) و یکی (عدالت) برپا گردیده است، که همه چنانکه در نظام نامه‌ایشان نوشته شده باید حافظ مشروطیت حامی عدالت، وحارس مساوات، و نگهبان حقوق ملی باشند.

تاوقتیکه بنده در بوشهر بودم اعضای انجمن ولایتی بموجب همان تفصیلی بود که چند وقت قبل در نامه مقدس درج فرموده بودید، اگر تغییری واقع شده باشد بنده میدانم و مخبر نیستم، افعال و وظائف آن انجمن هم میدانید، که در نظام نامه مخصوصه قانونی منید و مصرح است، اما بدبختانه باید بگویم که این انجمن حالبه بوشهر یا دانسته یا ندانسته هنوز در خط عمایات صحیحه داخل نشده و عشق مفرطی بمحاکمات و مجالس بی‌فایده و کارهای بی‌وقت دارد، مداخله شان در عمل تیر اندازی منزل کلانتر، و در فقره ادعای امین‌النجار بر رضا نام تذکره چی، و مننده ادعای

بعضی مردم بر تداگرانی ، مسئله پسران سید حلوانی (که یکی از آنها را ناحق سه روز حبس کردند) و ماده ادعایه ناحق معین الزنجار بر حاج میرزا غلام حسین بابت زمین دلیل واضح بر صریح شده است . و تا کنون با وصف وقت خود را در کار مصروف داشته اند . در صدد فهم تکالیف صحیح خود بر نیامده اند ، یا نخواسته اند که برآیند ، در تشریح و توضیح مفاسد یک تاکنون در این ولا ظاهر و حادث گردیده چندان لازم نمیدانم ، بسط مقال دهم فقط عرض میکنم که از وظایف آنی انجمن علی که بایست بی فوت وقت در صددش برآیند

(اول) تکمیل عده و کلاست که باید از هر جا منتخب پوشهر جلب کنید ، اما احتیاط کنید ، که انتخابات سایر بلاد مثل پوشهر بمیل و تربیات شخصی نباشد که هر کس فلائکس بخواهد انتخابش کند

(دوم) خواستن دستور العمل را بذل اقدام در تاسیس اساس عدلیه که محاکمات مختلفه در آنجا تحقیق و استطاق شود

(سوم) تشکیل انجمن بلدیه با رعایت صحیح قوانین نه بر حسب میل و اغراض فسانی ،

(چهارم) حساب استمداد نظامی برای حفاظت پوشهر و بنادر راه ، این کار هم آن است که اول تحقیقات صحیحه در اندازه عساکر محله هر بندر نموده و بعد مخارج آزا بر آورد کرده و مدارالشوری تصویب کنند ، که حصه از مالیات آجا را صرف نگهداری استمداد نمایند ،

(پنجم) مراقبت صحیحه در اهمالی که و طایفشان اجازه میدهد ،

(ششم) اظهار تصویبات منتضیه مدارالشوری در خصوص جرح و تعدیل مصارف دولتی در این صفحات

(هفتم) ترتیب نظامیه درستی که نه اسم بلارسم باشد

(هشتم) شمس و نجس در حصول منافع ثروت مادی مثل معادن وغیره و تخمین مخارج آنها و تصویب استعمال آنها

(نهم) ترتیب صحیحی برای مخارج لازمه انجمن (ولی مخارج آزا بجزای بگذارند که هفتاد بیشتر از کار هایشان ارزش نداشته باشد)

(دهم) نظری بشر معارف و علوم نه حرف بافتن ، اما انجمن صفا (ان الصفا والمروة من شاعرانه)

این هم گامگاهی یا بلکه کراراً از وظایف و تکالیف که در ملک متمدنه برای اینگونه اجتماعات مقرر است نخطی و تجاوز کرده است ، ولی چون نظامنامه مفصل قانونی نداشته از اینرو در کارهای خود معذور است ، من که چیزی مینویسم لایتم دلایلش را بیاورم و امیدوارم که اسباب رنجش هموطنان عزیزم که اعضاء آن انجمن باشند نگرند ، و بفرض و مرض حمل نکنند ، يك از دلایل گفتمارم مداخله انجمن در کار تداگرانی بود ، دیگر دخل و تصرف در عمل تیر اندازی در منزل کلاستر ، دیگر نوشتن بوزیر معارف جهت منع دخول (قران مطبوعه خارجه ایران) دیگر مداخله در عمل حجابی و تمام نکردن آن دیگر عمل قبرستان که شد من يك دو سؤال از اعضاء این انجمن دارم و بعد از اظهار آنها بدگر وظایف شان میپردازم ، آیا در حالیکه امنیت و نظم از شهرتان مرفوع و اصاف و عدالت یکسره مفقود و حریت مال و جنس بالکلیه معدوم گشته وقت آست که در مقام اقدام باین قسم شیرین کاریها مثل منع دخول قرآن و حصار کشیدن اطراف قبرستان برآیند ، آیا در وقتی که روز روشن مردم را میگیرند ، و بی پرس و سؤال چوب کاری میکنند ، موقع این خشکیهاست ؟ آیا هنگامیکه هزاران درد بی درمان از قبیل کثافت شهر ، بی نظمی محل ، کسادی تجارت ، تاریکی شهر ، اغتشاش و تقلب در موازین و مکمال ، نا امنی طرق و شوارع ، حتی کوچه های پوشهر ، موجود و در کار داریم نباید باصلاح احوال خود پردازیم ؟ آیا فقط همین حرانی و اختلال امور نظامی بری و بحری ایران براسی سر شکستگی ما کافی میباشد ؟ آیا در اقدامی که بابت شیخ عبدحمید شیرازی و رفیقش گردید مخطا نرفته اید ؟

گمان نرود که این اظهارات وسؤالتم از راه عرض و مرض شخصی است ، نه بخدا بلکه چون شارا بیشتر ترقی خواه و صاحب جو میدانم لازم میبشمارم نکات دقیقه که در حلوان میباشد تشریح نمایم و نهفته نگذارم ، و بعبارت اخری به در میگویم تا دیوار بشنود ، بهر جهت کنون بذکر بعضی معصیاتی که اقدام شما در آن مناسب میباشد میپردازم ،

(اولا) بهترین کاریکه شما باید بکنید این است

فرب بعضی گرگان گوسفند نما نخورده و خود را آلت دست یا ده مفرضین سازد

(ثامناً) باید این نکته را مخفی نگذارید که انجمن شما سیاسی است یا غیر سیاسی، اگر سیاسی است مسلک آنرا مدلل دارید اگر غیر است شیوه آنرا واضح و روشن کنید

در اینجا يك دو کلمه بحاشیه میروم و باید بشما توضیح کنم که مقصود از لفظ سیاسی نه آنست که انجمن شما خود را در امور مربوط بروابط خارجی مملکت دخل و تصرف دهد، بلکه مقصودم اینست که امروزه در صرف دول متمدنه این لفظ بر کلیه امور دولتی چه ملکی و چه مدنی هر دو اطلاق میشود، بالفعل مسلک و طریقه شما مهم و غیر معلوم است، یعنی گاهی (مثل انجمن ولایت) بکارهای عدلیه و گاهی به نظمی و گاهی بحکومتی و زمانی به امور بولتیبکی می چسبید و حال آنکه کارهای صحیح فراوان و موجود است و هنوز یکی از درد های خود را هم دوا نکرده اید، که بکارهای کوچک جزئی عطف نظر کنید

تا آنجا اگر مسلک شما فقط اصلاح طلبی و ترقی خواهی صرف است خوب است همیشه يك هیئت مراب از عدلاء خود نان تشکیل داده که هر يك از نواقص شهری را با دله و برهین واضحه معین و مدلل داشته و برای رفع آن ضربی بعد از تحصیلات صحیه نه محض خوف پیدا کند و بعد از آنکه عتناً در جلسه های خودتان تصویب گشت بدالشوری یا هر اداره دولتی که آن عمل مربوط بدان است تقدیم کنید.

(رابعاً) هر چه رودر که بتوانید مختصر دستگاه طبیبی دو جیبی را بطراران باشد بطور موقت برای خود دژ کرد و آن تصویباتی را که بدارالشورای پیش میکند در روزنامه مخصوص خود درج کنید و نشر دهید ~~که~~ این عمل یقیناً موجب جلب خاطر اولیاء امور خواهد گشت

(حامساً) اگر مسالکات غیر از خواستن اصلاحات کلیه است پس خوب است که اقدام بامور نافه مانند کپان توپرشهر یا شرکت تشایفیه یا امتیازات ~~دیگر~~ دیگر فرمائید که منافع و فواید بولی افلا

باید آن شود

(سادساً) و سایر صحیحه بدست آورده مراقبت کنید که حفظ امنیت و آزادی جان و مال مردم بطور کامل رعایت شود و در این خصوص نه فقط به مسموعات خود کفایت و قناعت حاصل کنید بلکه در هر کار و در حال باید اقدامتان بعد از تحقیقات واقره باشد

(سابعاً) نشر معارف را هر ذریعه که امکان پذیر باشد در صدد بر آید، زیرا که بیدار کننده ما فقط همین است و پس

(سامناً) انعقاد شرکتهای تجاری با قواعد صحیحه بنمائید

(تاسماً) حق المقننور سعی باشید که اقدامات انجمن ولایت موافق نظامنامه باشد و وقتیکه خلاف آنرا دیدید بطور مؤدب به دارالشورا مخبره و الخطار کنید

(طاشر) در امور بی فایده (مثل عمل تیراندازی خانه کلانتر) مداخله نکرده و وقت خود را ضایع نکنید (احدی عشر) تا میتوانی سعی کنید که زحمت افزای خاطر انجمن محلی حایه شوید زیرا که نمیخواهند بفرمایشات شما کار کنند، هنوز هم تکالیف مهمه برای شما میماند ولی چون یقین به پیرویش ندارم لازم نمیدانم بشرح آن پردازم

اما انجمن اتحادیه، جنیدی است به تشکیل نظام ملی مبادرت کرده و گویا کار خود را منحصر به همین نموده است، ولی در سابق بیاره اعمال اقدام میکرد که از وظیفه اجتماعیش بیرون بود، یعنی گویا بقتاید هم رنگان خود می پرداخت، نهلا چه لزومی در اینست که به مجلس محلی بنویسند که امضاء مخطوطان باید چنین وچنان باشد؟ مگر دیگر نواقص ابران رفع شده بود که مدینکار روی آورند؟ با ما جان در این عصر حاضر مملکت ابران، یکسره ویران منافع و فواید مردم بکلی با مال، حقوق عمومی تماماً ضایع، بی قاعدگی و نا ملایم غیر مشروع از هر طرف ظاهر، جهالت و رذالت در هر گوشه رایج شده، چه وقت آنست که بدین جزئیات غیر مهمه اقدام کنید، بعد از آنکه شما قدری اصلاحات لازمه را حاصل نموده و رفع

نواقص سابقه که هنوز هم باقی و برقرار است نمودید
آبوت مرخصید که (بخونم شلنگ و نخته زیند) والا از
ابن مباحو و تضییع وقت چه حاصل ؟ چون شما هم
قدری ذهنتان صاف و خاطران مستعد به فهم حرفهای
صحیح دیده ام نوکلا علی الله یکدو حرف از راه
اصیحت (نه نصیحت) میگویم -

(یکم) شما خوب است مسلک خود را بر رفع
نواقص واجب بگذارید مثلاً سی و مراقبت کنید ،
نقدیه و نظمی و عدلیه ربا و دارنده تکلیف مردم
بدبخت معلوم شود

(دویم) خوبست شما اطلاعات کامله از وضع مالیات
خارج از شهر و دهات و قراه ننگستان و دشتستان
مثل چاه کوتاه ، احمدی ، دالکی ، اهرام ، خرهوج ،
بر از جان ، وغیره وغیره حاصل کرده و فهمید
مباشراً بجا هر ساله چقدر از رطایا میگیرد ، وجه اندازه
بدولت میرساند ، مثلاً بعضیها میگویند مباشرین برازجان
و احمدی وغیره هر ساله سی یا سیصد چیکری
بیسای دولت میآورند ، ولی خود شایسته راه را به
تفنگچیا کرایه میدهند .

میگویند هنوز در قراه مذکوره بمجردیکه کسی
از رطایا مرغ و تخم جبهه مطیع خان نیارود بدوش را
در می آورند و اذلاحر و گوسفندش می برند ، میگویند
مکاری با وجود آنکه پول هنگفتی بمباشربین راه میدهد
بازحالش با احوال سک مساوی و در هر سفر که میرود
و میاید بایست در هر گذر سه مرتبه قنداق تفنگچیان
بی رحم بیوسد تا از شر آنها سالم ماند ، میگویند هنوز
در شهر شما مکاری جرئت ندارد که خودش علوفه
قاطرهای خود تهیه نماید ، و باید از مخزن های علافی
حضرت مستطاب آقای کلانتر بگیرد و پول هم هر چه
خواستند بدهد ، میگویند هنوز در شهر شما نرخ نان
و گوشت بسته بآن است که فصاب و طباز هر صبح
قبل از باز کردن دکان عشقی بمحضرت کلانتر برسانند
و سم ایشان را حاج کنند ، میگویند هنوز در شهر شما
یکی از اراکین قضاوت جناب گل محمد گنده ، رجب و
حضرت زار محمد مهرائی است ، و خدا نکند یک ضمیمه
مهرائی با شوهرش حرفشان گیر کند که فوری آن
دو نفر مدعی الموم طلاق نامه خانم را به میان معین

میدهند ، میگویند هنوز در شهر شما آدم میکشند
و کسی نمی برسد و ناز هم آدم میکشند و کسی نمی برسد ،
میگویند در شهر شما درد و شربر نیست و گرنه مانع
و عایشی بر ایشان وجود ندارد ، گفتم اینها را همه
میگویند ، بلی بعضی چیزهای دیگر هم میگویند ، ولی
نگاه کنید ، من مرده شما زنده ، تا شما نمی فهمید
چطور کار کنند همین آتش است و همین کاه ، خوب ،
(سوم) بعد از آنکه از چگونگی امورات بواسطی
بوشهر خوب اطلاع راست حاصل گردید مرتباً بنویسید
و نظریات خود را هم اضافه کنید و بدارالشوری
رواه دارید ، یک نسخه را بدهید به حبل المتین چاپ
کند تا افلا مطلبی داشته باشد

(چهارم) چون سدرالمحسن شما شخصاً طیب است
خوب است نظری بد تدریس مختصر طب کنید ، این
طور که اولاً عده مختصری از اشخاص فهم پیدا
کنند و مبالغ جزئی هر عامه برای مخارج از آنها
درفته ایشان را طبابت سهل و ساده (معتاد و قلمبه)
درس دهید

(پنجم) تاسیس دوا خانه مختصر ، بمسئد ولی بعد
از چند مدتی که امور مهمه لازمتر در بسیار بردارید
(ششم) نشر معارف را در صدد برآید
(هفتم) نظام ملی بر اساس صحیح و نظامنامه درست
بگذارید ، به اینکه مثلاً امروز من پیام و در نظام
داخل بشوم و فردا رأیم نباشد پیام

(هشتم) صندوق عاقله طبیبی محسری برای مرضاء
مسلمین و فقرائیکه استحقاق دارند باز کنید ، اما طوری
تعمیر کنید که بیارها را به فتمیری ترغیب کنید

(نهم) نوعی کنید که یک دستگاه مختصر حرفتی
و صنعتی از قبیل کفش دوزی - ساعت سازی -
نجاری - فرام آورده اطفال بی صاحب ایرانی را تا
اندازه وشاره معینی بکار واداشته و بیاموزید ، و اگر
وجه آن صندوق اعانه را که گفتم در این راه صرف
کنید بهتر است

(دهم) حق المقدور اشخاص کافی عالم را جناب
بانجمن خود نموده تا در تحقیق و تقنین مفسد به
بفرضی و صحت بتوانید اقدام کنید

حیثیت شما، کارهای شما ریاست، و انشاءالله نگهبانان خدمات، خوب است قدری کارهای صحیح درست پیدا کرده و نگذارید به بدنامی و رسوائی مشهور شوید، اول کارشاهها برداشتن باره و حشیکریها مثل نزاع بین عیاله ما که هر ساله باعث خرابی بدبختی میشود و راه آن هم ایست که

اول با سایرین اتحاد کنید و از آنها در انجمن عضو بگیرید و بعد عهد نماید که هیچوجه گرد و حشیکری نگردد

(دوم) خوب است قدری در صدور تحویل تربیت برای خود و اطراف خود با بر آمده یک هیئت مخصوصی ترتیب دهید که اوقات خودتان را (بموض رفتن به -الس نی فایده) در طواعتن جراید و فهمیدن مطالب آنها و در پیدا کردن سواد صحیح صرف کنید (سوم) در مقام تقش از اوزان و مکیال بر آمده و مواظبت کنید که مثل سابق هر من تبریز سیزده قیاس و نیم نباشد

(چهارم) صندوق اعانه مختصری در انجمن گذارده هر ماه یک مبلغ خیلی جزئی مان بدهید و بعد از جندی آن را در راه مفیدی صرف کنید

(پنجم) سی کنید حتی المنذور در خواستن امنیت و نظم حقوق خودتان

(ششم) سی باید آلات مفرضین و مفسدین بشود و همیشه در کارهای خود طریق صالح حوثی اختیار نماید

(هفتم) کوشش کنید که بعضی فاسد مثل قهوه خانهای وانوری، شیر، چاه و غیره و غیره موقوف شود (هشتم) تا میتوانید سعی شود که مداخله در امور نالارم نکنید، باز هم بعضی نکات هست که باید بشما بگویم ولی باشد تا وقت دیگر

اما انجمن تجارت، خیلی تمیخواهم در کارهای چندین ماهه این انجمن که آیا کار کرده یا نکرده حرف بزنم فقط خیلی میل دارم بایشان یک دو کله حرف زده و کارهایی که انجمن تجارت دیگران میکنند بگویم، اول خوب است بدانید که لفظ (انجمن تجارت) بر یک جمعی که اهالیش از راه و رسم تجارت صحیح پیگیر باشند و جز بخود نماند، و خود ننند، مانا ندارند

اطلاق میشود، بلکه انجمن تجارت باید مرکب از تجار کهن کار تجربه دیده و زحمت کشیده و عادل و با علم و متدین و راستگو باشد، انجمن تجارت بایست از جانب وزارت تجارت مأموریت مخصوص در پیشرفت و وسعت تجارت یک بلد یا یک ناحیه باشد، و بمبارت دیگر انجمن تجارت باید یک شعبه از وزارت تجارت باشد، انجمن تجارت میباید سمت قانونی داشته باشد، انجمن تجارت باید از حیثیت و درجه تجارت بلاد دیگر مطلع و با خبر و از متدار تجارت داخله خود مستحضر باشد، انجمن تجارت باید نه فقط به اشستن و گهتن و درخواستن و شنیدن قناعت کند، انجمن تجارت باید راه و وسیله پیشرفت تجارت داخله پیدا کند و بگوید و بنویسد، انجمن تجارت باید حالی مظالمه و دولاب کاری را تشویق نداده و راه تقلبات در امتعه خارجه بنند، انجمن تجارت راست که در امور خارج از وظایف خود مداخله نکند و آلت دست فساد خواهان نشود در بلاد خارجه مثل بمبئی وظیفه انجمن تجارت

مشمول بر اینست، که بعضی از آنها میگویم، و بعضی که فراموش شده نمیتوانم بگویم

(۱) در لوازم پیشرفت، تجارت هند تحقیقات و تفحصات کامله کرده نتیجه اطلاعات خود را بوزیر تجارت خبر میدهد

(۲) تصویبات لازمه برای رفع و موقوف عشور یا رسوم از اجناس معین بوزارت تجارت پیش میکند

(۳) و سایل نقلیه را حتی المنذور تسهیل داده و مثلاً رفع رسوم از ماشوه و گالسه و سایر آلات نقلیه مینماید

(۴) راپورت نرخهای مملکت را مرتب داشته در هر سال چاپ میکند، چهار مقدار صادرات و واردات مملکتی را تعیین کرده و با تواحد صحیحه نوشته هر ساله مطبوع میدارد

(۵) با انجمنهای تجارت سایر بلاد طرف مکاتبه گردیده از حالت تجاری آنها کسب اطلاع میکند

(۶) منع دخول جنس مخصوصی را در صورتیکه لازم بداند از وزارت تجارت خواستگار میشود

(۷) روزنامه مخصوصی برای نشر اعمال خود دارد

(۸) در فلاحات و زراعت مملکت مداخلت نموده دارد

(۹) صورت محصولات مملکت را بچندین لغات نوشته
و بمالک خارجه نشر میدهد

(۱۰) اهلائیکه از هر دولت در منع دخول جنس
در آنجا نشر شده برای اطلاع اهالی مملکت خودش
انتشار میدهد، و همین طور بعضی چیزهای دیگر که
بواسطه مکه سن و ضعیف قواء از یادم رفته است،
حالا خوب است، شما هم از حرف حق و نجش پیدا
نکرده و در طریق صحت عمل داخل شوید، یعنی زمام
کار را بدست اشخاص مفید مفروض نداده و بعضی از
آنهایکه هنوز از عضویت این انجمن ابا و امتناع
دارند در کار آورده کاری کنید که انجمنان اسم بلا
رسم نباشد، و اساس کار خودتانرا بر آن قواعدیکه در
فوق (خطاب بانجمن تجارت و در تحت نمرات) گفتم
بگذارید شاید از مفاسد خلی و عاری بایید و اگر
بخواهید همین وضع ماده کارهای درهم و برهم بکنید
آخر خواهد دید که دم اشتر زمین میرسد

اما انجمن عدالت - این انجمن مشتمل بر نخبه
الطیار است، و زده ارار و فقط حرفی مکه مجال
دارم با آنها بگویم آنست که (اولاً) بدانند غرض و فساد
برای صاحبش جاه می کند، (دوم) بفهمند که شرق
دست و کلاه برداری چیز خوبی نیست و بعضی اوقات
کلاه آدم خودش هم از میان میرود، (سوم) بدانند که
موقع غرض رانی گذشته و خوبست فکری بحال خود
کنند، (چهارم) خوب است سعی شوند که این اجتماع
را آتک غرض شخصی فرمایند، اگر وقت داشتم
هنوز بشرح می برداختم، ولی حیف که نمیشود، فعلاً
خدا حافظ بکنفر بوشهری مقیم بمبئی

مکتوب يك از واقفكاران

نمره ۳۹ نامه مقدسه زیارت شد شرحی مبسوط
در تحت امضای شیخ عبدالباقی نجفی مخبر سیدار راجع
بمخبط و خطای دولت علیه ایران در منع دخول اسلحه
قرائت شد، چون این بنده فی الجمله علت و اسباب
تاریخی این منع را میدام میل دارم که اطلاعات خود را
ذریعه نامه مقدسه گوشزد مطالعه کنندگان نمایم که تا
یکدرجه مسبقی و مستحضر باشند،

در سنه (۱۸۸۲) مسیح همسایه شاه خلیل پلنیک

حدود مکه استیلاء ترکان را پیشنهاد خاطر نموده،
بهترین تدبیری که از برای پیشرفت این مقصود بمخاطرش
رسید این بود، که دولت علیه ایرانرا مجبور بمنع دخول
اسلحه در ایران نماید، که اهالی سرحدات شمالی ایران
مسلح نشوند تا در موقع لزوم بدون طمع و رادع
بتواند هجوم و حمله آورد، آن اوقات نفوذ همسایه
شمالی در ایران با اندازه بود مکه هیچ دولتی با او
نمی توانست براری نمود، علت این نفوذ را هم البته
همه می شناسند کی بود که روزگارش مرا و جزا داد،
پس ار آنکه فرمانها بونی بمنع دخول اسلحه در
ایران شرف صدور یافت حکام با احتشام بنادر فارس
فهمیدند که دولت ضرر دستی بخود زده بدون اینکه
هیچ فایده پلنیک و سیاسی در آن ماحوظ باشد
لذا ورود اسلحه را در بنادر فارس ممانعت نکردند،
بعضی از معتبرین هم اجازه ورود اسلحه را از امین
السلطان گرفتند و آنکارا تجارت اسلحه میکردند،
همسایه جنوبی تدابیر همسایه شمالی را با احتیاجات
حدود مقایسه نمود، و لازم دید که در این باب اقدامی
مثل او نماید با اینکه در هیچ ماده از مواد موافقت با
همسایه شمالی نداشت، فقط در این یکمسئله که داعی
بمنافع پلنیک خود بود با او موافقت نمود، و در سنه
۱۸۹۸ مسیحی دولت ایران را مجبور نمود که از طرف
خلیج فارس هم اسلحه وارد ایران نشود، سبب ظاهری
و همسایه جنوبی این طور اظهار داشت که چون
اسلحه از خلیج فارس بسرحدات هندوستان میرود،
و مضر پلنیک اوست باید ممنوع شود، چنانچه بدین
بهاه باعث ضبط تنگهای کپانی فراسیس نامس
در بحرین و بوشهر شد، ولی وقتیکه از جنگ افغانه
فراغت یافت معلوم شد که اسلحه های افغانه بعضی از
حدود افغانها و بعضی هم از جبهه خانه های انگلیس در
هندوستان بوده است که فروخته بودند،

اما سبب واقعی این اصرار همسایه جنوبی در منع
دخول اسلحه بایران جز این نبود که اهالی بنادر فارس
و بختیاری و محمره و مرستان و بنداد و موصل و
شامات بی اسلحه باشند که اگر مسئله راه آهن آلمان
عواقب وخیمه مضره داشته باشد یا همسایه شمالی بسرحد
ایران حمل نماید بتواند بفرات خاطر بدون خوف تهاجم

اهالی بتادر و مختباری و عراق حرب و موصل و شامات خود را به شامات و داخله ایران برساند و بمقاصد تصرفیه مملکتی نائل گردد .

اما سلطان مسقط با اینکه تا یکدرجه مرعوب و در حمایت دولت انگلیس بود نکات مضره منع اسلحه را نسبت ببقاء و دوام ملت اسلام ملایمت ننهد . هرچه دولت انگلیس نمود سلطان مسقط حفظ بیضه اسلام را منوط بوفور اسلحه در مملکت اسلامییه دانسته خود تکالیف او را قبول ننموده و تا کنونهم قبول نموده است . در شماره ۳۸ نامه مقدسه نیز صورت فتاوی حجج اسلام را در باب مشق نظام ملی ملاحظه نموده نفوس ابراییه هم اغلب بمشوق نظام ملی طایل و جمعی هم ملبس بلباس سربازی و داخل در مشق نظامی ملی شده . و میشود . با آن فتاوی حجج اسلامییه و اقدامات اهالی غیور ایران البته محتاج باساحه به طرز جدید خواهند بود . خوب است هوا خواهان بقاء ظلم اسلامییت این سد بزرگ ترقیات اسلامییه را از جلو پای خود بردارند . و الا قشون ملی و وطن پرستان بی اسلحه هیچ فایده نخواهند داشت . و ما این ترتیب حالیه باید اسلامییت و ایرانیت را وداع گفت .

این نکته دقیقه را نیز لازم است اظهار دارم که نامه خود را فارغ کرده باشم کنفرانسیکه در بروکسل در موضوع منع اسلحه منعقد شده است اگرچه ظاهرش بنام افریقا است ولی عمده مقصود کنفرانس افریقا و ایران بل فقط اضمحلال اسلام است امضاء (خواهان بقای اسلام و ایران)

حبل المتین

ما درین موضوع زمانیکه اهدأ سخن حق را شنوائی نبود خیلی نوشته ایم در مضرت این غدغن هدیح دلیلی بهتر از خواهش دو همسایه جنوب و شمال نیست زیرا که هر آنچه برای آنها مفید باشد و اقدام از طرف آنها شود از روی حتم و یقین برآید برای مامصر است و برای اظهار خیالات مال اندیشانه که همسایگان درین غدغن برای ما دارند بهتر ازین بیانی نیست که اول اقدام فراسه در مراکو این بود که اسلحه در حاک او وارد نشود . بعضی از دول که این حکم را نموده یا قبول کرده خودشان کار خانجات اسلحه

سازی داشته اند . ایران سلطنت مشروطه است و حافظ این خاک فرد فرد اهالی جهت چیست که این قوه طیبی را از ایرانیان منع نماید ایرانی هر قدر دارای اسلحه شود برای محافظه ایرانش مفیدتر است . امیدواریم داناتان اعضای شوری درین موضوع غور و تأمل نموده آنچه صلاح ملک و ملت است معمول دارند ازین و بعد ما امیدواریم یادآورهای خیر خواهان بهتر ترود صفحات حبل المتین آزادانه برای بحث درین موضوع گشاده است . و نماینده ایران در کنفرانس بروکسل خیلی باید ملاحظه داشته باشد که این مسئله پیش از پیش موضوع بحث خواهد شد

مکتوب با امضاء

اقدامات غیورانه اهالی بوشهر

در خصوص قشون ملی

زهی منت و خسی تشکر خداوند بخشنده مهربان را که ودیعه حیوة ما اهالی ارزانی داشت و باقی گذاشت تا اینکه برای العین ادراک نمودیم روزی که ملت نجیب ایران از خواب غفلت صد ساله بیدار شده ملایقت نقصان گردیده در سدد حفظ شرف و شئون و حقوق و وطن مقدس خود برآمده انجمنها بحیثیه صیانت و حصانت اساس مقدس مشروطیت و حفظ مراتب اسلامییت . اتحاد و عدلت و صفا و اخوت تشکیل داده . از جمله انجمن محترم سعادت توام اتحادیه اسلامییه بوشهر است که بسی و اهتمام و توجه جناب مستطاب حکمت نصاب آقای حاجی شیخ الحکام مدیر محترم انجمن مزبور دائر شده و الحقیق این انجمن در کمال متانت و درزانت و استحکام و جالب توجه خواص و عوام است . از نتایج حسله و فوائد مستحسنة این انجمن تشکیل سربازان ملی افتخاری است . که مرکب است از وجود ابتناء علما و حکماء عظام و بنجار نغام و اشراف و اعیان ذوی العز و الاحترام . و اهل منبر و ارباب صنایع و حرف شکرانه مساعدیم الجمیله که آن نیز از حسن نیت و صفاء طریقت و مدامات مجدانه غیورانه جناب مدیر معظم ترکیب و تالیف یافته . اینک سربازان ملی ما با کمال افتخار هر صبح و شام در نحت لباس نظام با نهایت انتظام در محال انجمن اتحادیه اسلامییه و بیرون

شهر مشغول بمشق نظامی طرز جدید هستند، کنون با کمال ادب واحترام خدمت سربازان وطن عزیز خود عرض مینمایم، ای باوران خدا، ای لشکر حق، ای چشم و چراغ اهل ایران، ای رونق بارگاه اجاز، ای سربازان ملت، ای جامان شمال قومیت، دیده رمد رسیده ما هموطنانرا از اینگونه اقدامات غیورانه روشن ساختید و قلب مکرر ما ایرانیان را از اینطور مجاهدات خالصانه قریب مسرت داشتید، شما اسباب شرف و نیکیختی و سعادت اسلام فراهم آوردید، شما موجب مسرت دوستان و باعث عبرت و نکبت دشمنان شدید، نوع شما همیشه حافظان مذهب و ملت و حامیان حوزه دین و شریعت بوده اید، محراب و منبر از وجود امثال شما یادگار، و رونق اسلام از بود شما رقرار، این طریقه انبیه انبیا و ائمه هدی است که در تحت لباس نظام در آمدند، و با اعداء دین جهاد نمودند، قرآن که بهترین کتاب مقدس آسمانی ما است، ما را امر میکند، عالم که آناه روحان هستند ما را حکم مینمایند، دیگر چه جای تأمل و درنگ است، با اینکه وقت تنگ و از هر طرف صدای توب و تفتک است، ایامی پدید که اجانب از اطراف و جوانب حلقه وار ما را چون ننگین انگشتر احاطه نموده، دوجار فشار همسایگان بیرحم شده ایم، لازم و واجب است، همدست شده کاملاً حرکتی کنیم و خدا حق نجاتیم، (علوالمعالم بالهمم العالی) امید جنان است که جمیع افراد ملت در این امر اهم مبادرت و مسارعت نموده روز بروز بر تکذیر عدد و توفیر مدد فرموده، بلی بحجه ترغیب و تشویق همکنان لازم است که ارباب ثروت و مکنت هر یک با اندازه وسع و قدرت اقدام در هرگونه رغبات و مشوقات فرموده و اسباب تشویق آنها را فراهم آورده باشند که از مبادن هم طالبه ایشان یکسال تمام تا شده سه هزار سرباز ملی در بوشهر تحت السلاح مهیا شود، چنانچه مرد غیرتند وطن خواه جناب میرزا حسین وین قونسل دولت جرمن بذل همت نموده بیست دست لباس نظامی مجانی بفره سرباز وطن تقدیم نمود تا چه کند همت دیگر کسان بنده اقل علی ابن الحسین الواعظ البوشهری

از جناب مستطاب محکمت نصاب عمده التأطین آقای حاج شیخ الحکما مدیر انجمن اتحادیه اسلامی

بوشهر و مؤسس سربازان ملی خواهشندم که بذل مرحمت فرموده بدرج این لایحه در جراند مقدسه بدل جهد نمایند که موجب تنویر اذهان صافیه و قلوب مستقیمه شود

(من الاقله علی ابن الحسین حسام المتکلمین واعظ البوشهری)

حبل المتین

از جناب مستطاب آقای شیخ الحکما رئیس انجمن اتحادیه بوشهر و سایر اعضاء محترم آن کمال تشکر را داریم، و ارجح است ارباب شرف که آن علو مرتب شرکت در قشون ملی نموده، ممنوع، ولی یک نکته را باید داشت حکم هر عمل بی قانونی اساس می ماند و ممکن است اسباب هرج و مرج شود حال که باین عمل مشروع مقدس اقدام نموده اند خوب است با سایر انجمنها اتحاد نموده از دارالشورای ملی خواستگار ترتیب قوانین قشون ملی شوند، تا از روی ترتیب صحیح باین وظیفه مقدسه عمل شود، مقصود ازین بیان آن نیست که ارباب غیرت از این اقدام مشروع خود باز مانند با که غرض این است که تکمیل این عمل مقدس را به ترتیب قوانین باید داشت، و سعی باید کرد که قوانین قشون ملی از مجلس بگذرد

مکتوب یک از دانایان

این مسلم عالم است هیچ شبثی در ابتداء امر مکمل نمیشود، مگر در سایه تجربات قصور ها دیده شده رفته رفته تکمیل شود کسی میشه تا رسیدن بدرجه اکمال خسارات فوق العاده وارد میشود، مثلاً سالها زحمت کشیده مبالغی خرجها نموده در آخر ملاحظه آنچه مطلوب بوده معمول نشده، باز با فکر سلیم اسباب نقص را قحص نموده، کار را از سر نو آغاز مینماید و از هدر رفتن زحمات و تلف شدن مخارج دلتنگ و پریشان نمی شود همت را عالی تا بجای که منظورشان است، مقصی المراء و شرف ابدی را در یافته ثروت بزرگ بدست می آورند

(هر کاری که همت بسته گردد)

(اگر خاری بود گل دسته گردد)

غرض ازین مقدمه آنست که چون انتخاب دوم پارلنت نزدیک است لازم میباشد که قصور انتخاب اول

را یاد آوری نمایند هر کس که بمقتل خود چیزی میداند و دیده و شنیده و تجربه نموده بیان فکر نماید، اگر صواب دید عنلا شد معمول دارند، و الا صم بکم بگذارند، و در دوره اول چنان مقرر شده که از طرف جمیع اصناف از خودشان وکیل باید انتخاب نمایند، مثلاً وکیل بقال و کلاه روز و مسکر و غیره اگر از خودشان وکیل قالی که دانا از تقاضای زمامه و با خبر و با اطلاع ممکن نشد از خارج يك نفر که برانده و قابل میدانند نامزد نمایند، بشرط اینکه ایرانی و از شهر و قصبه های ایران باشد، مثل عراق که جناب ممتازالدوله را انتخاب نموده اند الحق لایق عضویت چنین مجلس مقدس است که حیات و مات اهل يك مملکت وضع آسایش می کروید رعایت را نباید بدست کسان ممرض و نا تجربه سپرده آید، بلکه بدست دوستان نفر اشخاص عالم و تجربه کار و با خبر از علم حقوق دول و از نقشه های همسایه های ساکنه ما با اطلاع و باقتضای وقت جنگ را ملاحظه و وقت صالح را بدانند از دخل و خرج ابرار بانک از دخل و خرج دول عالم خلیف و بصیر باشند، دائم در فکر سلیم خودشان غور نمایند که مغلوب نشویم و مقبول بشویم بعبارت الحری از کثرت زهد و تقوا وقت غسل که در شدت سرما منسخت است خود شانرا به نهر نیاندازند، که آن عبادت شرعاً حرام است، همچنین امری که سبب برادری يك مملکت بزرگ و محو شدن اسلام و اسلامیت است اقدام فرمایند، تمام این ریخت و عبادتها حبه یاد خدا و حفظ بدن است، و الا خداوند عالم محتاج بعبادت نیست، بس هر کس که میخواهد کلمه طیبه لا اله الا الله و محمداً رسول الله (ص) در مناره ها ذکر بشود و حفظ نعت و شرف خود و اخلاف خود را بنماید باید بتقاضای زمان رفتار کند خلاصه از مطلب دور شدیم غرض این بود که زهد و تدین ایمن است که در انتخاب دویم اگر کسی برادر خود را قابل این امر بزرگ نداند برای خواطر برادری انتخاب نکند، که اصل بیدینی است، اگر دشمن شخصی خود را قابل این امر دید انتخابش کند صکه اصل دینداری است، بکنفر جاهل و ممرض سبب برادری يك مملکت میشود، لیکن يك نفر عالم و دانا يك حرف حساب باعث شرف و یکنسانی يك مملکت و ملت میگردد

خلاصه اصلاحات ایمن و وجدان در امر انتخاب است غرض ازین صغری و کبری آنست که باید آقایان این قدر ملاحظه وقت را فرمایند که بحال مریض نافع باشد سهل الدوا شود، و در شریعت محمدی (ص) حرمت شراب معلوم است ولی بجهت حفظ الصحة رفع حرمت فرموده اند و هكذا دروغ آشد کبار و معاصی است ولی در وقت ضرورت حفظ مال و جان جایز دانسته اند بتقاضای وقت بود که حضرت رسول (ص) از قاتل هم اگر خود حزه اغرض فرمود باید بر نحوی که باشد حفظ وطن که حفظ دین و ایمن و عرض و ناموس و مال و قومیت و اسلامیت است که حب او را از ایمن فرموده به نمایند آنچه عیان است چه حاجت به بیان است

مسلمانان جزایر فیلیپین

آثر خامه یکی از اسلام خواهان

فیلیپین مجموعه جزایر است که واقع است در گوشه جنوب و مشرق آسیا در بحر الکاهل مجموعه آن ۱۲۰۰ جزیره است، اول ناخدا که اکتشاف این جزایر نمود (مجیلان) نام برتکیس بود، و نام این جزایر را باسم فلپ دویم پادشاه پرتگال گذاشت، این جزایر فاصله ۱۵۰۰ کلومتر بطرف شمال و مشرق جزیره (برنو) واقع است، مساحت این جزایر و ۲۹۶۰۰۰ هزار کاور مربع است زراعت خاص آنجا قهوه، ابا زیره، فی شکر برنج، و قهواکوست، درکناره های این جزایر استخراج مروارید هم میشود، مجموعه افراد نفوس این جزایر هفت میلیون است متوطنین اصلی این جزایر بسبب حملات اجانب تباه شدند، فقط عده قبایلی از آنها باقی هستند که آنها را قوم (تاغال) میگویند، عده نفوس آنها بیک میلیون و نیم تخمین شده طایفه دیگر نیز هست که (فراپا) میگویند، تعداد آنها دو میلیون و نیم بشمار آمده و فرقه دیگر (فیکول) نام دارند و عده آنها صد هزار است جمعیت مسلمانان در جزایر جنوبی زیادتر است نسبت بمسلمانان جزایر شمالی، مسلمانان جزایر اصلاً چینی، مابیشن، هندوستانی و عرب و اروپائی هستند و طایفه از این مسلمانها که معروف اند (بجورا طاندو) بیار دایر و جنگجو هستند، نامت مدیدی این جزایر

در قبضه اسپانیا بود، لکن آنها در آبادی آن جزایر
کوشش نکردند. همیشه در این خیال بودند که اهالی
آن را عیسوی مذهب نمایند، چنانچه بسیاری هم
دین مسیح را قبول نمودند. همینکه اسپانیا تسلط تمام
در جزایر مذکوره پیدا کرد ظلم و ستم آغاز نمود.
چون اهالی در فشار ظلم حکام بودند زاید الیوصف
در ملک خرابی پیدا شد و در سنه (۱۸۹۶) عیسوی
قوم (تاغال) علم مخالفت بر خلاف حکومت اسپانیا
بر افراشتند، و اعلان دادند که اگر مساوات و حریت
که در تمام ملل متمدنه اروپا جاری است باها داده
نشود بغاوت را قائم خواهیم داشت. بلی (الملك یبقی
مع الکفر و لا یبقی مع الظلم)

خلاصه حکام اسپانیا مجبوراً وعده دادند بآنها که
هر اصلاحی که شما خواهانید جاری می شود، این تدبیر
شعله بغاوت تا مدتی فرو نشست، مگر اسپانیا بوعده
خود ایفاء نکرد. تا سال بعد که باز بالای بغاوت
بالا گرفت و اهالی بجهایت دولت امریکا با اسپانیا جنگ
آغاز کردند نتیجه این شد که فوژ امریکائی بر این
جزایر قائم گردید، و جهازات اسپانیا را قطعه قطعه
و تخریق نمودند و آفتاب حکومت اسپان غروب نمود
پس از آنکه حکومت امریکا در آن جزایر قائم
شد و امن و امان در آنجا انتشار یافت انجمن های
علمیه ملل متمدنه در پی آن شدند که واقعات تاریخی
جغرافی و تمدنی و مذهبی این جزایر را معلوم نمایند،
تا این وقت تقریباً بیست کتاب در حالات این جزایر
نوشته شده، کتاب آخری که موسوم است (بجزیره
فلپاین) حالات مسلمانان آنجا را مفصلاً نوشته تا سال
(۱۹۰۵) این مصنف تا عرصه دراز با مسلمانان این
جزایر معاشرت نموده، تمام حالات آنها را بتحقیق معلوم
کرده در کتاب مذکور منگاشته است (حافور من)
مصنف کتاب مذکور مینویسد که امروز مسلمانان
جزیره (مندلون) هشت حصه اند از ده حصه جمیع
مواطنین این جزایر، یعنی تعداد آنها از دیگر اهالی
چهار برابر زیادتر است پیش از حمله اسپانیا بر این
جزایر مسلمانان در جزایر شمالی ترقی زیاده کرده بودند
حکومت اسپانیا اول در جزیره (لوسون) وارد
شده با حکام مسلمانان جزیره (نوندو) و (مانبرا)
بصالح و آشتی پیش آمدند، و در مکاتبات حکومت
اسپانیا آنها را (مور) مینوشتند در این جا اختلاف زیاد
است که نور اسلام در کدام وقت در این جزایر تاید
قول راجح این است که مذهب اسلام در جزیره
(برنو) قبل از سایر جزایر انتشار یافت، بعد از آن
اهالی جزایر (مندنو) و (سولو) که قرب آن بودند

کسب ضیاء آفتاب توحید کردند، مسلمانان جزیره
(برنو) در سال (۱۴۷۳) علم تسلط برافراشته در میان
مسلمانان این جزایر و حکومت اسپانیا تا مدت ۳۰۰ سال
جنگ متوالی بود، و بنای این جنگ بر تعصبات مذهبی
هر دو فریق بوده، اسپانیایا میخواستند که مسلمانان را
بجبر در حلقه مذهب عیسوی در آورند و برای اینمطلب
هر گونه زحمات را بر خود روا میداشتند در جنگ
های متواتره که در میانه این دو فریق واقع میشد گاهی
اسپانیا غالب و زمانی مسلمانان قاق میآمدند، در
سنه (۱۸۹۶) از حلاب متواتره مسلمانان اسپانیا تنگ
آمده هزم را حزم کرد که تمام مسلمانان این جزایر را
نیست و نابود کند و بجای ایشان سران عیسوی
مذهب آباد نماید، مسلمانان از این خیال اسپانیا
برافروخته شده بک دیگر را مطاع ساختند، از آن ظلم
و ستمی که بر مسلمانان قدیم اسپان شده ذکر و برای
مدافعت آماده شدند، مورخ مذکور مینویسد که
اسپانیا در عیسوی کردن مسلمانان فلپاین چندین
کتاب تألیف نمود، و مسلمانان آواز بلند میگفتند
که اگر حکومت اسپان دست صرف بر مذهب ما
دراز کند و با عدل و انصاف با ما سلوک نماید و
حقوق ما را با مال کند هیچ چاره نیست ما را جز
کشیدن تیغ انتقام، ما برای حمایت مذهب خود کمر استقام
که آخرین قطره خون خود را بر زمین انجمن این هم
کاش و کوشش این شد که دولت امریکا بر حمایت
مسلمانان کمر بست و با اسپانیا دست گریبان شده
آنها را از تطاول این وحشیان نجات داد

(حافور من) مینویسد اینک اسپانیا سگاه حمرت
آمیژ بر سواحل این جزایر می بیند که دیگر مسلمانان
نمی تواند دست تعدی دراز کند، امریکا که بر این
جزایر تسلط یافت در عقده مذهبی مسلمانان هیچ دخل
نداد، قبل از تسلط امریکا حکومت فلپاین مستبد بود
امروز در ظل حکومت امریکا مسلمانان آشجاری حکومت
جمهوری آماده میشوند، تمام احبباری وضع عموم
بآنها داده میشود، مصنف مذکور مینویسد که مسلمانان
جزایر فلپاین خیلی به تمدن مغرب شائق هستند، و
زودی طریقه معاشرت اهل یورپ را اختیار خواهند
نمود دولت امریکا اعلان داده است که میخواهد
مسلمانان جزایر حکومت دستوری یعنی مشروطه
بدهد و استعداد این گونه حکومت در مسلمانان پیدا
کند امریکا در آزادی آنها هیچ دخل نداده فقط
تنبیر در طرز حکومت آنجا داده است در هر
شهر مجالس مذهبه موجود است و مسلمانان با آزادی
تمام در انتظام آن مجالس مشغول هستند انجمنهای ملی

در هر جا قائم شده و حکومت امریکا مشوره این
انجمنها اصلاح انظامات ملکی را میکنند فوج امریکائی
در این جزایر کم است زیاد تر از مسلمانان آنجا در
فوج مستخدمند ۴۱ باب مدرسه در این جزایر موجود
است که در آنها (۲۳۱۵۴) اطفال مشغول تحصیل هستند
یک باب مدرسه فلاحت هم افتتاح شده و . و . و -

تکرافات

(۲۹ ع ۲ - ۲۰ می)

(الی ۱ ج ۱ - ۵ جون)

§ (مستر وستن جرجیل) در مجلس انجمن سالانه
جنوب افریقا اظهار داشت که اینوقت افریقائی خنوی
خارج از مسلک بولتیک معینه اجاعی نموده و در قلیل
زمان ماسد (کندا) خواهد شد و اورا عبیده ایست
که (حتزل بویا) طاقت حکومتی آراد بنام منجده جنوب
افریقا برقرار خواهد داشت

§ دولت بویارا اراده این بود که باسم حفظ رعایای
خود در (ساموس) چهار جنگی هرستد ، بابمالی
قبول نکرده که از آمدن چهار جنگی حرحه مزید
رجسارت اهالی جزیره خواهد شد

§ خبر تازه رسیده که چهار ترکی در جزیره رسیده
اهالی بدوا شایک نموده چون از چهار شایک
برآنها شد باچار ساکت شدند

§ حراید ترکی و بویای در خصوص (ساموس)
مختلف می نویسند از اخبارات طرفین ظاهر می شود
که جنگ سحقی واقع شده ، فسران ترکی را مدوله ایست
که چهارات ترکی از قرب قصر دولت برانقیار شایک نموده
تاریخ ۲۹ می تا نصف شب پیوسته جنگ بوده است
§ رخلاف مسافرت پادشاه انگلستان در ممالکت
روسیه عموماً گمگم می شود ، علاوه بر این حایه
مهیبه در روسیه بطاهر رسیده که دپروز به ۸ فر و
نیز ۱۶ فر در دو فتره برای اعدام از حکومت
روس صادر شده است

§ (مستریس) در جواب (ارل آف روتلندش) اظهار
داشته که دولت چین تا کنون تمیین سرحدات (چین و
برما) را که معروف است به (اسکات لاین) منظور نکرده ،
مخبرات بین دواین جاری و هنوز انفصال نیافته است
§ درباره (مقدونیا) (سرادوردگری) وزیر خارجه
انگلستان به دولت روس مکتوبی نوشته و در آن مسئله
مقدونیا که تصفیه یافته بود تشریحاً اظهار داشته . اکنون یقین
میتوان حاصل کرد که بزودی مقدونیا انتظام خواهد یافت
§ در (مقدونیا) به نازکی کشکاری زیاد بوقوع
پیوسته از این رو بابمالی به دولت بویان شکایت نموده و
خواهش کرده است که اهالی بویان را از انحطی

به سرحدات مع آید ، و افسران بویانی را که در فوساجاه
ملازم اند سزای دهد

§ جزیره (ساموس) فعلاً امن است . اهالیان
جزیره اکثره (بویان) هجرت نموده بابمالی را عبیده
ایست که بعد از حصول امنیت کامل انتظام بدرجه کمال
خواهد رسید

§ (مستر بوکان) در مجلس شورای ملی در جواب
سئوالی اظهار داشت که ویرا عبیده ایست که شرح
زاید گمرک جانی هندوستان از اول ستمبر موقوف شود
§ در جواب (مستر اوگاردی) که مخالف مسافرت
پادشاه انگلستان در روسیه است ، اعلیحضرت اظهار
داشته که من حسد صلاح دید و در راه خود عمل میکنم
و در این مسافرت بهنچوجه تکمیل عهدنامه مد نظر
نیست فقط بعض ملاقات دوستانه است

§ تلگرافی از (روم) رسیده که (سگنورینوی)
در مجلس شورای ملی اظهار داشته که اهتق دولت
روس و انگلیس در خصوص انتظام هندویا بعد از
ملاقات (ادورد همسم) و امپراطور روس فیصله
خواهد شد - سپس اظهار داشته که سرمایه راه آهن
(دیوب وادرناتک) فراهم شده است

تکرافات روتر راجع بایران

هنوز همان آس در کاسه است

§ محبر روتر در طهران خبر میدهد که وزیر خارجه
از عهده خویش استعفا داد و وزیر عدلیه و وزیر
داخله نیز که استعفا داده بودند هنوز بایشان دیگری
مقرر نشده است

حبل المابین

ظاهر است که استعفای وزیر خارجه بواسطه فشار
خارجیان بوده و فشار داخله بر وزیر عدلیه و داخله
نیز رجال ما را از قبول این عهده ها مرعوب ساخته ،
زیربار مسئولیت مشکل میروند .

ما عبیده خود عار را درباره انتخاب کابینه بارها
نوشته ایم ، که اول باید شاه همراه شود و بخلاف قانون
وزرا را معزول نباید ، و مات هم باید ما وزرای
مسئول قسمی همراهی نمایند که آنها معتذر باشند اگر
تکلیفی بقی قانون ماها شود بتوانند رد نمایند ، وزرا
از یکطرف در فشار خارجه ، از طرف دیگر محکوم
شاه و خائنین دربار ، از همه اهم تر مسئول مجلس
هم هستند و فشار مات را هم دارند ، تا امروز مات
ایران با وزرای مسئول خود هیچ گروه همراهی که
سبب قوت ناب آنان بشود نه نموده ، اگر مات در
وقته توپخانه همراهی خود را با وزیر خیرخواه عالم

(ناصر الملک) ظاهر داشته ، و او این شرط مصالحه را عودت و بر سر کار آمدن ایشان قرار میداند ، در آینده برای وزیر قوت قلبی پیدا می شود ، و میتواند در وظائف خود بروز استقامت دهند

اگرچه عدم وجود این وزیر موجوده ما برای ملک و ملت يك حکم را دارد ، یعنی اغتشاشات داخلی و تجاوزات خارجه و ملاحظات عدلیه و غیره در هر دو صورت موجود است ، ولی بازم نباید این چند وزارت خانه بزرگ را مهمل و بی وزیر گذارند

انتظام وزارت خانه ها و مسئولیت صحیحه وزیرا وقتی در ایران صورت خواهد بست که وزیرای ما از طبقه دوم رجال عالم با اطلاع انتخاب شوند ، چه این وزیریکه درین هشت کابینه تبدیل و تغییر یافته و می باشد اولاً استبداد طبیعت شان خوگر شده ، مشکل است توری و بدون قوه جبریه و سیاست خود بخود این عادت از آنها مرتفع شود ، ثانیاً آنها از زمان استبداد تا کنون مرعوب احاط و محکوم فرامین مستبدانه شخص پادشاه بوده اند ، این مرعوبیت و محکومیت هم از آنها تا روزمرگ دفع نخواهد شد ، تربیت و خویشان همان ترس و وحشی امین السطان است ، نهایت آن ترس و وحشت در آنها نیست که در او بود ، سوم این طبقه وزیران خدال خود درجات ترقی را طی نموده ، چون تاکنون نمره از نام نیک و لذت اهزاز ملی نیجیده از لذت آن بی بهره اند ، ازین رو چندان شوق و دل گرمی بخدمت ندارند ، چه نظر مثل معروف آرد خود را بخته و همراه خود را آویخته اند ، و گویا از هرجهت خود را مستغنی ازین وزارتها میدانند ، و بحیال خود ازین لفظی که میگویند انداعات لازمه می شود ، ملق بر مات دارند ،

ولی اگر کابینه وزیرا از عالمی طبقه دوم انتخاب شود عیوبات مذکوره طبقه اول در آنها نخواهد بود ، و طبعا و شوقاً بکار تن خواهند داد

فقط از برای وزیرای ما همین يك هنر و صفت ذکر می شود ، تجربه دارند ، سیرند ، استخوان دارند ، اولاً این حرفها بالا صاله غلط است ، طبقه اول از رجال ما ادا تجربه ندارند چه ، هیچوقت کار نکرده و وزارتخانه هم نداشته ایم ، و بر فرض هم اگر تجربه حاصل کرده باشند همان سببیت و بر بریت و صادر کردن احکام استبدادیه است که ادا بدرد امروزی ما دوا نیست ، سیر بودنشان را هم باید از بی طبعی نواب والا نایب السلطنه قیاس نمود ، اما استخوان آنها ، در دوره مشروطه کار بعم و عمل پیش می رود نه با استخوان و تشخص صوری و عقل میرلای گویا حالا دیگر وقت آن رسیده باشد که

وزیرای ایران از طبقه دوم رجال عالم انتخاب و این ملاحظات مهمه ترك شود ، مشروط بر اینکه سزا و جزا برایی خوف و رجاء و جزا برقرار باشد بدون خوف و رجاء هیچ کار پیشرفت نخواهد نمود ، تا سزا و جزا نباشد معنی مسئولیت را از وزیرا نباید خواست ، و نباید گذارد شاه و دربار و سفرای خارجه هم بوزرا اینقدر فشار دهند ، ملت باید اول رفع مانع کند از استنطاق حاجب الدوله و معتضد دیوان چه عمر ، اول مخالفت با قانون اساسی شاه نموده که دستخط دست آنها دادند اصل را رها کرده بر فرع بچسبیدن بیشتر سبب خرابی میگردد حاجب الدوله و معتضد دیوان برای شاه حکم حیوانات آئینه الحلقه را دارند که هر آن خواهد صدها مانند آنها را پیدا مینماید نمود ، اگر ملت و کلا مرعوب اند و باز مدانه و ملاحظه در کار است بدون رو دره اسبق اسم مشروطیت را از خود بردارند ، مشروطیت ملاحظه و ترس از پیش می رود ، چه تاریخ اقوام سالقه با نشان میدهد که عالی که مشروطه را از پیش رده هماره حقیقت این شعر را پای بند بوده اند

(ترك خان و ترك مال و ترك سر)

(در ره مقصود ول منزل است)

§ بموجب تلگراف پترزبرگ رئیس ایل شاهسون پبله - وار نزد افسر سرحدی روس رفته تاوانکه روسها خواسته بودند داده ، و سایر شرایط (اولی متمم) روس را هم قبل از موعد قبول نموده است

حبل المتین

§ ای حق همیشه مغلوب قور بوده ، مگر اینکه در حق قوتی پیدا شود ، خداوند نامرزد کسانی که مات و دولت ایران را تا این درجه ضعیف و مرعوب نموده ، و اینک هم مانع اند که مات قوایمی ملیه خود را جمع نموده ، بلکه از مرء ، بیت خارجه و داخله بیرون آیند

§ بر حسب تلگراف اسلامبول سفیر ایران شکایت باامالی در خصوص تجاوز تاره الراد با رومیه و اطراف آن و قتل و غارتی که کرده اند نموده ، باامالی مافسران فوجی سرحد تلگراف کرده و تأکید اکید نموده است که اگراد را از حمله جلوگیری و باز دارند

حبل المتین

یعنی کشک ، یعنی ایرانیها همین تلگراف قانع شده تا مجدداً موقع آن برسد و پوست از سر شان بر کشیم ، البته برای تطهیر سفیر با دش و خود نمایان اشاعه این گونه تلگرافات هم لازم است ، عجباً که هنوز مات و دولت ایران منتظر اند که با بودن ارفع الدوله در باالی مسئله سرحدی شان با عثمانی از روی شرف فیصل یابد ، امان از غفلت ملت ، و پیداد از سکوت وزارت خارجه

§ افسر سرحدی روس در سرحد ایران خبر میدهد که از سه هفته باین طرف سرحدات از هر جهت امن است (یعنی قشون روس تجاوز نه نموده و منتظر فرمان نازده اند)

§ مخبر روتر از طهران خبر میدهد که هفتصد نفر افغانه که به (ریگان) آمده بودند از ریگان بطرف مشرق حرکت کردند ، این جماعت حافظ نهمد شتر بوده اند که تمام اسلحه و قور خاه از سواحل مکران آورده و بجانب شمال مغربی سرحد بیرند (معلوم گردید که تگراف هفته گذشته روتر بهی بر بلتیک همدی یا سهوی بوده است ، غرض اصلی وادار کردن دوات ایران در منع دخول اسلحه بوده است

§ در پارلمنت انگلیس وزیر خارجه انگلستان (سر ادوردگری) اظهار نموده که روانگی دسته از قشون روس در سرحد ایران از واقعات محلی بوده و خللی بر آرادای و استقلال ایران وارد نمی آورد ، و هیچگونه منافی با امراض دوات انگلیس در ایران نمیباشد (این کلمات چون از زبان وزارت خارجه انگلستان خارج شده خیلی قابل غور و تأمل است)

§ مخبر روتر از طهران خبر میدهد که بنا بر اعتراض نمایندگان ملی پادشاه شش نفر از خواص دربار که مایه فساد شناخته شده بودند خارج نموده که من جمله آنها امیر بهادر جنگ بود که از خوف ملت پناهنده بسفارت روس شده است

§ شاه از طهران بهارات بیلاقی خارج شهر رفته افواه است که اراده دارد ایران را ترك گوید

حبل المتین

هر قدر این تلگراف مهم همان قدر مهم است ، برطرف بودن امیر بهادر و امثال آن اول شرط مصالحه ملت در وقعه تویخانه بود ، نهایت این است که تا امروز این خائین را بی دور شاه گذارده بودند که اسباب هزار کوره فساد شده اند ، رفتن شاه هم بهارات بیلاقی نازکی ندارد ، اما ایگونه مسافرتها را می نمودند ، البته در بموقع اهم نازک در طر حارفته اند خالی از اهمیت نمیباشد ، و بعید نیست درین طرح ملت منافع متصوره خود را حاصل نماید عهده جمعی این است که اگر شاه بحسب خاندان خود است ، باید ولیعهد را بجای خود برقرار داشته و بایب الساطه برای او مقرر دارد و خود از سلطنت کناره گیرد ، اما شرت ملت کار بجای نازکتر خواهد کشید اما ترك گفتن شاه ایران را اگر بهر و طرح است فتنه حاصل نخواهند فرمود ، و هرگاه برضایت ملت این سفر را میفرمایند بهینا غیر رسمی و انشاء الله بارک است ولی بعقیده ما اگر اعلیحضرت با ملت ساخته

و در همان شمران بماند صلاح و صرفه شان خواهد بود ، ملت جز حقوق خود هیچ چیز نمیخواهد ، شاه طهران باشد حاصل خواهد نمود ، شمران باشد خود مد گرفت ، ترك ایران گوید خواهد گرفت ، عالم هم زیر و بالا بشود ملت حقوق خود را حاصل خواهد کرد ، فقط افوس ما درین است که چرا باید شاه آفت درجه محبوبیت خود را نزد ملت تبدیل به منهوریت سازد ، ملت اسم جمع است نه هرگز تمام می شود نه خسته میگردد ، ولی محمد عایشاه اسم شخص است هم خسته میگردد و هم تمام می شود ، بار هم میتوان آب رفته را بجوی اداخت در مساعدت با مجلس اگر شاه بخواند و درباریان خود غرض بگذارند

بازاوراق (ر) خورد

بنا به خبریکه امروز مخبر روتر از طهران میدهد کابینه وزرا مجددا تمییر یافته ، مشیرالسلطنه رئیس الوزرا و علاءالسلطنه وزیر خارجه گردید

حبل المتین

این کابینه یکدمه دیگر هم قریب بهمین شکل امروزی انتخاب شده بود و هیچ کاری از پیش نه برده سحت مورد عدم اطمینان وکلا واقع گردید ، تعجب این است که با آن سخنان فضیحت آمیز در مجلس بآب هیئت کابینه را چه طور مجددا وکلا قبول کرده و این هیئت با آن افتساحاتی که دیده بچه قسم دوباره زیر بار وزارت رفتند ، حالا که وکلا میداند وزارت این دسته آس خارج نمی شود افلا زبان خود را در حق آنان در مجلس حفظ نمایند تا جا مهوری برای آینده آنها نایق ماند

بالجمله از تعیین این هیئت کابینه بدرستی ظاهر گردیده هنوز همان آتش اولیه در کاسه است ، و هر ض شاه فقط نه گذراندن وقت و تمام شدن این چند ماه مدته این دوره وکلا میباشد فرداست که باز همین بساط امروزی در کار آید ، و مدتی وزارتخانه های وزیر مانده محدد همین سورتها به تغییر عهده بروی کار آیند ،

بحال است تا وزرا ارطیفة دوم رجال و از اعضای عالم دارالشوری انتخاب نشوند موافقت نامه بین مجلس و کابینه پیدا شده یکدم جلوتر رویم فرداست چند هزار نفر دیگر در یکصوبه ایران بقتل رسیده چندین کورر خساره نازده بر ملت وارد آمده يك تغییر کابینه و تبدیل عهده همین رجال بعمل آمده کفران گناهان سابق شده همه را صاف و پاک نموده اعمال گذشته را از لوح خاطرها بشوید ، يك دفعه قتل عام نشده کم کم بشود نتیجه یکی است

(ذره ذره جمع گردد طاقت دریا شود)

جبل للتين كلكته

دیکل کالج استریت نمبر ۴

وکلا ذمه دار اونيجات مشترکين اند

(بدل ابوتہ اخبار پیشکی گرفته میشود)

قیمت اشتراك

سالانه - - شش ماهه

هند و برمه

۱۲ روپه - - ۷ روپه

ایران و افغانستان

۲۰ قران - ۲۵ قران

عثمانی و مصر

۵ مجیدی - ۳ مجیدی

اروپا و چین

۳۰ فرانک - ۱۶ فرانک

نامه مقدسه

المبتدیان

سنه ۱۳۱۱

HaBlui Matin Office
4, Medical College Str.,
CALCUTTA.

کلیه امور اداره با

مدیر کل مؤیدالاسلام است

هر دوشنبه طبع

و سه شنبه توزیع میشود

یوم دو شنبه

۱۵ جمادی الاول ۱۳۲۶ هجری

تاریخ دوره خود را اعاده میکنند

تذکرات (روز) و وقعات وحشت ناک کنونی ایران بایم باید که تاریخ دوره خود را اعاده میکنند، یعنی چه؟ یعنی چون روح تمدن جدید از فرانس در کالبد ایران داخل شده، و این مات ترقیبخواه اصیل الاصل از آثار تاکنون به اصول تمدن فرانسه راه نور دیده اند، ناچار تاریخ تمدن فرانس در ایران دوره خود را اعاده خواهد نمود.

قدری تشریح لازم است؟ یعنی چون تربیت جوانان تمدن خواه ایران از چهل سال باین طرف چه در داخل وجه در خارج غاب بلفت فراسه شده، و کتب تاریخ و عامی و زمانهای فرانس را بیشتر خوانده و تعلیم گرفته و زبان فارسی بسیاری از آنها ترجمه شده است، در دماغ قاطبه ایرانیان نقشی جز شکل ترقی فراسه متشکل نیست، و طریقی جز راهیکه فرانسویان رفته و به مغلوب رسیده اند در اطرشان جلوه گر می آید.

یا بپارتی ساده تر، سوق تعالی، تمایل طبیی و تشابه حاتی و خاتی، و تناسب طبیی آب و هوا ایران و فرانس را یکدیگر فرین نموده، و این دو قوم را گویا به تقدم و تأخر در جاب منافع ملی و آزادی ملکی و دخول در مدینه فاضله تمدن بوضع کنونی به یک جاده انداخته و میراند.

این تصادفات جلی را فلاسفه از امور طبیییه گویند، و قائلند که هیچ رادع و مانی در پیشرفت امور طبیییه استنادت ننواید نمود و اصطلاح حکمای اسلام و متشرعین از فلاسفه اینگونه امور حتمیه الوقوع که ناشی از آثار طبیعت و در تحت اثرات طبیییه جای گیر شده، تقدیر گفته میشود، و میفرمایند (لا تبدلہ بالتقدیر الله)

عجب تر آنکه درین طی طریق طبیی هرگاه و هرمان مات و دوات مخطا راهی پیورده، دست قدرت یا قوه طبیعت آنرا کشان کشان دوباره در همان جاده مستقیم طبیی انداخته سوق میدهد، تا تاریخ دوره خود را صحیحاً اعاده نماید.

این است معنی پیش آمد امور کلیه و جزئیه طبیییه که با اصطلاح متشرعین تقدیر گویند، البته هرگاه به اغلوطه راه پیورده شده، و یا رادع و مانی در طی طریق دوستانه یا دشمنانه نهاده آید، جز راجح بیسوده کشیدن و در بر تر به مغلوب رسیدن نتیجه دیگر بخشیده است.

جنانچه وکلای ملی ایران در طی این طریق طبیی تاکنون خطاهای فاحش نموده، و مخالفین آنها بر هراران دسته انگاخته اند، که شاید راه طبیعت را مات گم نماید. و پشما گم کرده اند که بانک تقدیر قوه را تبدیل دهند، ولی تدبیر یا زود از دست قدرت یا اثرات طبیعت هر دو را بهمان راهی که باید بروند انداخته، متأسفانه می یابیم که رفته رفته مدبر بازیگر حاتم قدرت، و دست طبیعت دارد بردهای تاریخی فرانس و عهد لونی شانزدهم، در تماشای خانه ایران به منظره طالبان حلوه گر می سارد، و اگر مذاقه شود کمتر برده تاریخی است که در تماشای خانه فراسه در آن رهان افتاده که درین قلیل زمان در ایران نمودار نکرده است.

سیاسیون مطلع از اوضاع عالم و آشنا بتواریخ امم باین پنداشته اند، که فقط یک برده مدعش و یک باری هواناکی بیشتر از اعاده تاریخ فرانس در ایران باقی نماند، و هرگاه بادشاه جوان و مستبدین خام عقل نافرجام بقسمی خط سیر طود را تغییر و تبدیل ندهند که جمیع مواد مستعد طبیییه طبعاً مسیر خود را تغییر دهد، خواه بخواه و چار و ناچار آن آخرین برده